

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



عبدالملک حوثی:
آمریکا، ولی
نعمت و صاحب
اختیار مقامات
آل سعود است

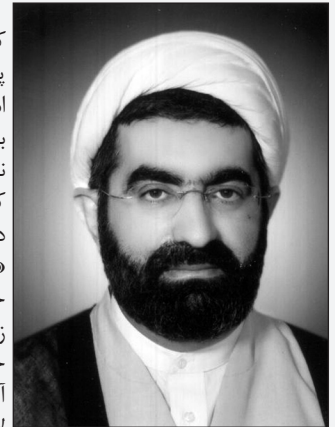


سال سی و هفتم ♦ شماره ۱۰ ♦ شماره مسلسل ۱۵۲۸ ♦ نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

حدیث روزگار

علمی، مرد علم و عمل

سیدهادی خسروشاهی



... شاید حدود بیست سال قبل بود که در یکی از سفرها به «لندن» برای پی‌گیری کارهای فرهنگی و مسئله استمرار نشر مجله «العالم» و غیره، به محل اقامت که همان ساختمان نمایندگی ایران در «های استریت کینزگتون» بود، رفتم که متوجه شدم دو شیخ متین و جوان، دم درب منتظر «اذن ورود»! هستند... در آن ایام به خاطر مسائل امنیتی در مورد واردین و زائرین، کمی سخت‌گیری می‌شد، و حق هم بود - و من به نهمیان گفتم که آقایان منتظر من بودند! و همگی وارد لابی ساختمان سفارت شدید.

این دو بزرگوار یکی آقای محمدجعفر علمی بود و دیگری به نظر آقای بهمن پور، که تازه از ایران وارد شده بودند و برای مشورت با مسئول نمایندگی در مورد چگونگی آغاز اقدام برای تأسیس کالج علوم اسلامی در لندن، به محل سفارت آمده بودند.

... تا اطاق مسئول محترم نمایندگی، دوستان را همراهی کردم و چون احتمال دادم که کار خصوصی داشته باشند، همراه آنها به داخل اطاق سفیر رفتم و پس از خداحافظی، به اطاق خود رفتم... ولی بعد، مسئول محترم سفارت اطلاع داد که دوستان برای چه منظوری به لندن آمده‌اند و او چه راهنمایی‌هایی انجام داده تا در عمل با مشکلات پیچیده اداری - امنیتی اسکان‌نداریا، روبه‌رو نشوند...

... گویا دوستان هدف را مشخص کرده بودند و پس از راهنمایی‌های نمایندگی، با جدیت و تلاش به برنامه‌ریزی و اجرای طرح تأسیس «کالج اسلامی لندن» پرداخته و در ثبت رسمی آن اقدام کرده بودند و موفقیت‌های نخستین به دست آمده بود... چند سالی گذشت و در سفری دیگر به لندن، محمدجعفر علمی، با اشتیاق به دیدار من آمد و خواست که برای بازدید از کالج، وقتی را پیشنهاد کنم!... پیشنهاد من، همراهی با ایشان، در همان روز! بود... خیلی خوشحال شد و من همراه او به کالج رفتم که ساختمان درازی بود با اطاق‌های متعدد و دفتری کوچک ولی تمیز و آبرومند، برای مدیریت محترم... در نشست که در اطاق مدیریت داشتیم، محمدجعفر علمی از آرزوها و آمان‌ها سخن گفت... جوان بود و پرنشاط، با نیرو و توان ایمان، و مطمئن بود کارها پیش خواهد رفت و او و دوستانش در تحقق اهدافی که به خاطر آنها در لندن مقیم شده‌اند، موفق خواهند شد.

... ضمن تشکر و تأیید فکری اقدامات و گام‌های نخستین برداشته شده، به بازدید از قسمت‌های مختلف و کتابخانه کوچک - ولی پرمحتوای آن - پرداختم و سپس با آرزوی موفقیت هر چه بیشتر برای ایشان و یاران، خداحافظی کردم... و تعارف برای «صرف نهار» با «فیش اند چیپس»! را هم به وقت دیگر موکول نمودم و راهی اقامتگاه...
کالج علوم اسلامی لندن

... تأسیس کالج اسلامی تحقق یافت که به گفته دکتر علمی، هدف اصلی آن، پاسخگویی به نیازهای معنوی مسلمانان مغرب‌زمین بود. او می‌خواست علما و روحانیونی را تعلیم و تربیت بنماید که خود با مشکلات و مسائل غربی‌ها، به ویژه مسلمانان مقیم غرب، آشنا هستند و توان شناسایی و شناساندن ادبیات و مفاهیم اسلامی، متناسب با ذهنیات و درک آنان را دارند.

دکتر علمی می‌گفت: محور اصلی فعالیت‌های ما در کالج، تربیت حوزوی - دانشگاهی دانشجویان علاقمند است و برنامه آن با استفاده از تجربه‌های آموزش طلاب خارجی در حوزه علمیه قم تدوین و تنظیم شده است و افزوده که دوره تحصیلی دانشجویان کالج هشت سال خواهد بود و پس از پایان مراحل لازم در لندن، برای تکمیل و تهیه دانش نامه دکتری، سه سال در حوزه علمیه قم به تحصیل خواهند پرداخت.

در اثر تلاش خستگی‌ناپذیر دکتر علمی و همکارانش، کالج اسلامی توانست با استانداردهای آموزشی مورد نظر سازمان سنچس عالی انگلستان - UCAS - هم آهنگ گردد و بتواند مانند دیگر نهادهای علمی - دانشگاهی، از طریق این سازمان دانشجو بپذیرد.

ادامه در صفحه ۴

در دائرة المعارف بزرگ اسلامی برگزار شد:

رونمایی از خاطرات و تقدیر از حج اسلام محمدجواد حجتی کرمانی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی



گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین
دکتر مختاری

سیره امام رضا
الگوی برای تحقق
وحدت اسلامی

صفحه ۷

دکتر احمد جلالی
سفیر ایران در یونسکو

به یاد
دکتر محمد
جعفر علمی

صفحه ۵

پیام حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی به همایش تکفیر؛ مسئولیت علمای اسلام در مهاباد

اندیشه تکفیر در اسلام جایی ندارد

خوشبختانه دیدیم که شیخ الأزهري عنوان کرد که همه علمای اسلام را دعوت کنند و اتفاق کنند و امضا کنند که خون مسلمان نباید ریخته شود. هر کسی که شهادتین می‌گوید و به سوی قبله نماز می‌خواند مسلمان است. هر کسی ضروریات اسلام را قبول دارد، مسلمان است و حالا در مسائل عملی ممکن است تفاوت‌هایی بین مذاهب باشد، این دلیل خروج از اسلام نیست. این خلاف صریح کلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با اشاره به درک حقیقت اسلام از سوی سایر ادیان گفت: اخیراً هم شنیدیم که پاپ بیانیهای در این زمینه صادر کرده است که این برنامه‌ها جزو اسلام نیست. اینجا يك اقلیت ضعیف منحرفی هستند که از سوی اشخاصی تأیید می‌شوند و در میان مسیحیت هم يك اقلیتی مانند اینها هست و اینها معیار نیست و اسلام دین رحمت است. آنها هم این را قبول دارند، بنابراین همان‌طوری که ما به عنوان حوزه علمیه قم و مرجعیت، دو بار در سال‌های گذشته، کنگره در مورد مسائل مربوط تکفیر برگزار کردیم که این از جهان اسلام بیگانه است، از علما و مفتیان ۸۰ کشور دنیا دعوت کردیم و آمدند و به این مسئله اعتراض کردند. شما عزیزان هم مخصوصاً در غرب کشور که از جهاتی ممکن است فعالیت‌های دشمن در آن صورت بگیرد، بیدار و هشیار باشید. در پایان این پیام آمده است: البته مسئولان امنیت، سیاستمداران و نظامیان کار خودشان را می‌کنند و ما علمای اسلام هم باید کار خودمان را بکنیم و مسائل را فاش کنیم و به همه اعلام کنیم، چه مسلمان و غیرمسلمان که این تعلیمات از اسلام نیست و مطمئن باشید که مؤثر خواهد بود و اگر در این کار کوتاهی کنیم (نسبت به خودم عرض می‌کنم) که روز قیامت مسئول هستیم و اگر بتوانم جلوی خونریزی را بگیرم و نگیرم، شریک در آن خون خواهیم بود. الحمدلله شما شخصیت‌هایی هستید که در محیط خودتان مورد قبول هستید و باید این مسائل را به صورت فاش بگویید و دست به دست هم بدهید و اتفاق کنید. ما هم در حوزه علمیه و مسائل مرجعیت در خدمت شما هستیم. ان شاءالله این معضل در غرب کشور، بعد شرق کشور و بعد در کل جهان اسلام و در کل جهان بشریت حل شود. متأسفانه اجانبی که به پیشرفت این فرهنگ کمک کردند تا بین مسلمانان ایجاد اختلاف کنند، خودشان هم گرفتار شدند و فهمیدند که راه خطا رفته‌اند و امیدواریم در آینده نه چندان دور این افکار ریشه‌کن شود و این آتش‌ها خاموش گردد.

جنایات گروه‌های تکفیری صهیونیستی در منطقه و قتل عام و خشونت‌هایی که با نام اسلام انجام می‌دهند، اندیشمندان و علمای شیعه و سنی را در مهاباد گرد هم آورده تا در خصوص خطر تکفیر و مسئولیت علمای اسلام هم اندیشی کنند. این همایش با پیام تصویری آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید آغاز شد و صاحبزنان در آن به نظرات خود درباره مصائب تکفیر و خطرات آن برای نظام اسلامی پرداختند.

در این مراسم حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی طی پیامی با اشاره به تلاش‌های مستکبران برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان در دوره‌های مختلف گفت: حقیقت این است که دنیای اسلام، امروز با يك مشکل بسیار مهم که در تاریخ اسلام به این صورت بی‌سابقه بوده است گرفتار شده است و به يك معنا جهان بشریت گرفتار این مشکل شده است و آن این است، گروهی که از تعلیمات اسلام اطلاعی ندارند و قطعاً از طرف بیگانگان برای ایجاد اختلاف و جنگ داخلی در کشورهای اسلامی کمک و تأیید می‌شوند، تصور می‌کنند یا اظهار می‌دارند که تنها ما مسلمان هستیم و بقیه کافرنند، اعم از سنی و شیعه و حتی غیرمسلمین خون و مال و عرض‌شان مباح است و تنها ادعا نبوده و وارد عمل هم شده‌اند و شما علمای محترم اسلام می‌دانید که اینها چه جنایاتی مرتکب شده‌اند و چقدر بر اسلام آسیب رسانده‌اند! اسلامی که طرفدار صلح و صفا است، حتی نسبت به غیرمسلمینی که با اسلام سر جنگ ندارند، اسلام با آنها حاضر است زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشد.

در بخش دیگری از این پیام آمده است: بنابراین اینها آمده‌اند خودشان را مسلمان و بقیه را کافر خوانده‌اند و دست به جنایات عجیبی زده‌اند. در اینجا علمای اسلام مسئولیت سنگینی دارند.

اولاً برای حفظ آبروی اسلام که بگویند اسلام دین رحمت است نه دین خشونت، خونریزی، آدم‌کشی، قتل و جنایت.

ثانیاً برای حفظ خون مسلمین. ما نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و ساکت بنشینیم. ما وقتی این صحنه را می‌بینیم، همه بدون استثنا مسئولیت داریم. باید اولاً به غیرمسلمین ثابت کنیم اینها تعلیمات اسلام نیست و انحراف از اسلام است و به طور قطع بیگانه از اسلام است.

ثانیاً به جوانان مسلمان هم این را ثابت کنیم تا جذب به آنها نشوند و اگر بدانند که این برنامه‌ها بیگانه از اسلام است، جذب به آنها نمی‌شوند و بیگانگان از اسلام هم اسلام‌ستیزی نمی‌کنند و نمی‌گویند اینها تعلیمات اسلام است.

عقب نشینی تاکتیکی

بررسی تجدیدنظر طلبی در حزب النهضة تونس در مصاحبه با استاد سیدهادی خسروشاهی



فوق لیسانس در رشته فلسفه به مصر و سوریه رفت و سپس برای اخذ دکتری در دانشگاه سوربن فرانسه به تحصیل ادامه داد. او به موازات آن به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در بین دانشجویان مسلمان پرداخت و پس از مراجعت به «تونس» ضمن تدریس در مراکز فرهنگی و نشر مقالات، در کنار برادران همفکر خود حرکت «الاتجاه الاسلامی» را تأسیس نمود و به علت همین فعالیت‌ها و تأسیس یک سازمانی سیاسی - اسلامی، بارها دستگیر و زندانی شد که بار اول در سال ۱۹۸۱ میلادی به یازده سال زندان محکوم گردید و به دنبال آزادی موقت، به علت ادامه فعالیت در سال ۱۹۸۷ مجدداً بازداشت و به حبس ابد محکوم شد. اما حبیب بورقیه، رئیس جمهور معلوم الحال سکولار و وابسته فکری به غرب، خواستار «ریشه کن کردن اساس این حرکت» و اعدام وی گردید که با برکناری بورقیه از مقام خود توسط «بن علی»، شیخ از زندان آزاد و از کشور خارج شد. باید توجه داشت که بورقیه هوادار سکولاریسم بود و از هرگونه حرکت اسلامی یا انجام وظایف مذهبی، و حتی روزه گیری در ماه مبارک رمضان، جلوگیری می‌کرد و روی همین اصل خواستار سرکوب کامل حرکت اسلامی بود.

آثار

در پایان بحث، بی مناسبت نیست که به برخی از آثار این شیخ تونس‌نی نیز اشاره شود. شیخ راشد علاوه بر مقالات بسیار که در جراند تونس و دیگر کشورها منتشر شده، تألیفاتی نیز دارد که علاوه بر عربی، به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، ترکی و فارسی ترجمه شده و به چاپ رسیده است. تألیفات عمده وی عبارتند از: طریقنا الی الحضاره؛ نحن و الغرب؛ حق الاختلاف و واجب وحده الصف؛ القضية الفلسطينية... المرأة بین القران و واقع المسلمین؛ حقوق المواطنة فی الدولة الاسلامیه، الحرة الاسلامیه و مسأله التغيير؛ مقاربات فی العلمانیة و المجتمع، المدنی؛ من تجربه الحركة الاسلامیه فی تونس.

مقالات: الامام الخمينی و التجديد؛ الحرات العامه فی الدولة الاسلامیه

این‌ها البته بخشی از تألیفات شیخ راشد است و فقط سه، چهار جلد از این کتاب‌ها به فارسی ترجمه و منتشر شده است. دو کتاب: «القضية الفلسطينية و الامام الخمينی» و «الامام حمی و تجدید حیات الاسلام» توسط اینجانب و «الحريات العامة فی الدولة الاسلامیه» توسط جناب آقای حسین صابری ترجمه و به چاپ رسیده است. شیخ راشد در مقدمه متن عربی چاپ اول کتاب اخیر خود که به نام «آزادی‌های عمومی در حرکت اسلامی» در ایران منتشر شده است، آن را به شخصیت‌های برجسته معاصر دنیای اسلام اهداء کرده است. راشد می‌نویسد: «این کتاب را به همه کسانی که بر من و امت اسلامی و بشریت منت دارند و در کار اسلام و احیای حق و عدالت می‌کوشند، اهداء می‌کنم. به پیشگامان مکتب اسلام و در رأس آنان جمال‌الدین افغانی، محمد عبده و رشید رضا... به پدران معنوی‌ام و پیشاپیش همه، شهید

همانطور که خودش به من می‌گفت: عضو سازمان بین الملل اخوان نبوده و نیست و حتی نسبت دادن حزب خود به عنوان شاخه اخوان در تونس را هم به شدت رد می‌کرد و می‌گفت ما، به عنوان حزبی مستقل، از اخوان پشتیبان می‌کنیم و اهداف ما هم در کلیات ممکن است مطابق یکدیگر باشد، ولی این به مفهوم شاخه اخوان در تونس بودن نیست...

راشد اخیراً پس از اعلام جدایی فکری از اخوان مقیم در ترکیه سلطان اردوغان، رسماً اعلام داشت که او یک تونس‌نی است و قبل از هر چیز، به تونس فکر می‌کند و عملکرد اخوان را در پناه این و آن، نمی‌پسندد و دور

از اهداف شیخ حسن الینا می‌داند!

البته این موضع‌گیری در قبال عملکرد غلط سازمان‌های اخوان در دوران «هجرت» یا دوره «عشرت» در ترکیه صحیح است ولی دوری از اندیشه اخوانی انترناسیونالیسم اسلامی، نکته‌ایست که کاملاً مردود است. شما می‌توانید تونس‌نی باشید و ما می‌توانیم ایرانی باشیم و در همان حال به امور همه مسلمین در جهان اهتمام بورزیم. تونس‌نی و ایرانی بودن با همکاری و تعاون بین المللی اسلامی، تضادی ندارد.

در عین حال بعضاً گفته می‌شود که شیخ راشد برنامه حزب را به کلی تغییر داده و فقط به امور سیاسی اهتمام می‌ورزد، اما من فکر نمی‌کنم شیخ راشد الغنوشی پس از نیم قرن تلاش در راه اسلام سیاسی صحیح و نه داعشی - تکفیری و وهابی بتواند ناگهان به کلی تغییر عقیده دهد و خواستار یک حزب سکولار شده و فقط به دموکراسی ایمان داشته باشد. من احتمال می‌دهم که این موضع‌گیری یک موضع‌گیری تاکتیکی است و شرایط موجود در جامعه تونس‌نی و اشتباهات بی شمار اسلام‌گرایان سلفی و اخوان در جهان عرب، شیخ را مجبور کرده که به اصطلاح بخش دعوت و تبلیغ دین را از حزب جدا کند.

ورای این صحبت‌ها مشاهده می‌شود که بعضاً به موضع‌گیری‌های ضدشیعی راشد نیز اشاره شده است؛ در این رابطه نیز باید توجه داشت که شیخ راشد موضع ضدشیعی ندارد ولی همیشه گفته است که با ایجاد مراکز تبلیغی برای شیعه سازی در تونس مخالف است و در اصل همه مذاهب اسلامی را محترم می‌شمارد. این یک موضع منطقی و صحیح است و نباید با اقداماتی، بهانه به دست دشمنان داده شود که جنگ شیعه و سنی در «مغرب عربی» - در تونس، مراکش، الجزایر - هم راه بیفتد.

■ شیخ راشد و انقلاب ایران؟

البته می‌دانیم که در اوایل انقلاب، شیخ راشد الغنوشی در دفاع از اصالت انقلاب اسلامی و به علت نوشتن مقالاتی در پشتیبانی از حرکت امام خمینی، حتی پای چوبه دار حبیب بورقیه رفت و پس از هجرت به خارج هم همچنان از انقلاب اسلامی دفاع کرد. ولی همزمان او انتقاداتی هم داشت که گاه به حق بود و گاه بی دلیل. اکنون شیخ، به دلایل خاص خود، مانند گذشته نیست و البته از کسی که درباره حزب خود، دچار تحول فکری شده باشد نباید توقع داشت که درباره ایران همچنان مانند گذشته ببیند. ولی بی تردید او ضد انقلاب اسلامی ایران نیست.

■ اشاره به مقام علمی و فرهنگی شیخ راشد بی مناسبت نیست؟

بسیار خوب! اشاره ای هم به سوابق شیخ راشد داشته باشیم. شیخ راشد تحصیلات مقدماتی را در روستای خود به پایان رساند و سپس به شهر «قابس» و بعد به پایتخت آمد و در دانشگاه معروف الزيتونه تحصیلات خود را به پایان رساند و بعد برای اخذ

■ به نظر شما انگیزه اصلی موضع گیری اخیر آقای راشد الغنوشی در مورد حزب النهضة چیست؟

موضع گیری اخیر شیخ راشد الغنوشی و جداسازی بخش رهبری معنوی حزب از بخش سیاسی، در واقع محصول تضاد داخلی و در میان کادرهای حزبی است. شیخ راشد، تمایل ندارد که مانند دکتر محمد مرسی و به عنوان نماینده اخوان المسلمین مصر، در تونس همه مسئولیت‌ها را به عهده گیرد و در نتیجه با یک کودتای فاشیستی مشابه آنچه که در مصر رخ داد، روبه رو شود. ولی کادرهای جوان که آمادگی برای کسب قدرت و قبول پست وزارت را دارند، نمی‌خواهند «فرصت» را از دست بدهند و اصرار دارند که به هر نحوی شده، در همه امور کشور، حکومت و دولت دخالت داشته باشند. ولی شیخ می‌گوید: «قبول مسئولیت‌های عمده در شرایطی که زمینه‌های اقتصادی و سیاسی کشور، رو به افول است، به صلاح نیست زیرا نتیجه هر نوع شکستی، همراه با شکست اسلام و اصل نهضت خواهد بود.»

بر اساس همین اصل، شیخ راشد می‌گوید که بیا بید بخش رهبری و معنوی حزب را جدا کنیم و بخش سیاسی، هر نوع فعالیتی را که در زمینه‌های سیاسی کشور می‌خواهد، برعهده گیرد تا شکست‌های احتمالی به نام اسلام سیاسی ثبت نشود. به نظر شرایط و امکانات موجود در تونس را به طور دقیق باید مورد بحث و بررسی قرار داد و سپس داوری کرد. البته جداسازی واقعی بخش اصلی و اساسی حزب، از بدنه کلی نهضت، نتیجه مثبتی به بار نخواهد آورد و در نهایت، حزب حرکه النهضة، یک حزب سکولار بی یال و دم خواهد بود که سرکوب آن توسط ژنرال‌های باقیمانده از دوران بن علی، کار سختی نخواهد بود.

در خصوص صحیح بودن یا نبودن این رویکرد الغنوشی باید بگویم، من سخنرانی شیخ راشد الغنوشی را در دهمین کنگره حزب به دقت و به طور کامل گوش دادم. کار او را نه رد می‌کنم و نه تایید. من فکر می‌کنم که او با اوضاع میهم و پیچیده ای در حزب و در کل جامعه تونس روبه رو است که فکر می‌کند در این چنین شرایطی، باید یک راه حل به ظاهر معقول برای برون رفت از بحران را در پیش بگیرد. شیخ راشد تصور کرده که تفکیک بخش رهبری معنوی از بخش سیاسی می‌تواند راهگشای این مشکل باشد. اما اگر واقعاً هدف «حذف» بخش دعوت و تبلیغ باشد، به نظر من این کار غلط و بی ربطی است. زیرا وقتی ما سازمانی را از ریشه خود جدا کنیم، آن سازمان در مدتی نه چندان دراز، از هم خواهد پاشید و ریشه اش هم خشک خواهد شد! یعنی اگر درخت تنومند پرپاری را از ریشه اش جدا کنیم، آن درخت نه تنها قادر به تولید میوه نخواهد بود بلکه به طور کامل به تدریج از بین خواهد رفت.

به هر حال من نتیجه این تصمیم گیری را، اگر جدی باشد، مثبت نمی‌بینم و احتمال هم داده می‌شود که کادرهای جوان اسلام‌گرا، انشعاب کنند و حزب جدیدی تشکیل دهند. همچنین عناصر فرصت طلب حزبی هم در احزاب سکولار حاکم ادغام شوند. شرایطی که در حزب رفاه ترکیه و بعدها حزب عدالت به وجود آمد، نشان دهنده اشتباه این روش است. وقتی شیخ فتح الله گولن را که پدر معنوی حزب رفاه بود، جدا کردند و حتی یاران او را در سراسر ترکیه سرکوب نمودند، نتیجه آن شد که می‌بینیم؛ حزبی که با یک رهبر دیکتاتور و تشدت نیروها تشکیل شده است.

■ در مورد جدایی از اخوان بین الملل چه نظری دارید؟

جدایی شیخ راشد از سازمان بین المللی اخوان و اعلام موضع منفی نسبت به اقدامات اخوان المسلمین نیز مسئله ای قابل ارزیابی است؛ حزب شیخ راشد

حسن البنا، مولانا ابوالاعلی مودودی، استاد مالک بن نبی، رهبر انقلاب اسلامی معاصر امام خمینی، علامه شهید محمدباقر صدر... و به شهیدان اسلام در همه جای جهان: عبدالله عزام در جهاد با استعمار کمونیستی، علامه اسماعیل فاروقی، و مالکوم ایکس - در امریکا - و مصطفی بویعلی، عبدالرؤف العربی، محمد منصوری در نبرد اخیر الجزائر... و به زندانیان اسلام‌گرا در تونس و الجزائر و مغرب و در طلبه آنها: صادق شورو، علی عریض، حبیب الوز، حماد جیالی، شیخ عباس مدنی، شیخ علی بلحاج، شیخ ربانی، عبدالسلام یاسین ... و به همه آنان که مشعل اسلام را در دست و پرچم آن را بر دوش گرفته‌اند و با سربلندی و اعتدال، همراه با دردها و رنج‌های بشر امروز، این آئین را در همه جا می‌گسترانند و برای رسیدن به دنیایی خالی از کفر و ظلم و فقر و استبداد، تلاش می‌کنند... و البته بسیار بعید است که شیخ راشد با این اندیشه، معتقد به ضرورت «حذف دعوت و تبلیغ» از حزب النهضة باشد. به قول علمای قدیم: والله العالم.

■ اگر درباره دادگاه و محاکمه وی هم اشاره ای داشته باشید، ممنون خواهیم بود!

درباره ماجرای محاکمه و دادگاه و آخرین دفاعیه وی در دوران رژیم حبیب بورقیه، در اینجا فقط سخنانی را که پس از آخرین دفاعیه بیان کرده است، نقل می‌کنم، آخرین پیام شیخ راشد، در دادگاه تونس و پیش از صدور حکم ظالمانه چنین بود: «حمد بر خداوند و درود بر پیامبر خدا خداوند را به خاطر نعمت بزرگی که بر من ارزانی داشت سپاس می‌گویم و شکر بی پایان دارم که توفیق داد بتوانم این حرکت مبارک را به عنوان پایگاه دعوت به توحید و صلح و آزادی و برادری و دموکراسی، پایه گذاری کنم.

من به صراحت از این منبر، اعلام می‌کنم که با هر گونه خشونت به هر دلیلی که برای حل اختلافات سیاسی و فکری، اعمال شود، مخالف هستم. ما بر این باور هستیم که همگی قربانیان اصرار بر استمرار در پی گیری حقوق قانونی خود، به ویژه حق مشروع خود در تجمع و بیان عقیده در چارچوب آزادی و قانون، داریم.

آقای قاضی!

دادگاه شما هر حکمی که می‌خواهد صادر کند، ولی بی تردید فقط حکمی اجرا خواهد شد که خداوند آن را بر سرنوشت ما رقم زده است.

من به همه برادران و دوستان خود وصیت می‌کنم که حکم دادگاه بر ضد من، هر چه باشد، هرگز هیچکس به فکر انتقام گیری نباشد. من ایمان دارم که خون من به زودی این سرزمین را با خیر و برکت و نعمت آبیاری خواهد نمود.

من در اینجا از همه کسانی که در مسئله ما همراه ما بوده اند، سپاسگزارم به ویژه از آقایان و کلاهی مدافع در دادگاه و روزنامه نگاران و همه نیروهای دموکراتیک در داخل و خارج...

آقایان!

من اطمینان دارم که آثار این دادگاه دوباره تکرار خواهد شد. یک بار در تاریخ برای نسل‌های آینده و یک بار در پیشگاه خداوند، در روز رستاخیز.

«و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب یقلبون»

- به زودی سستماکاران خواهند دانست که با چه طوفانی ربه رو خواهند شد. -

صدق الله العظیم

تونس، ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۷: راشد الغنوشی*

منبع: مجله مهرنامه / شماره ۴۸ / مرداد ۱۳۹۵

می‌تواند چارچوب نظری برای منطق فهم دین ارائه بدهد. ما در واقع درباره نحوه تکوین معرفت دینی بحث می‌کنیم و بحثمان منطق فهم دین نیست. اگر بحث ما بر این اساس بود که چگونه معرفت دین شکل گرفته است، مراد معرفت عالمان دینی نیست. ما می‌توانیم چیز واحدی را به‌عنوان معرفت دینی ارائه دهیم، با توجه با اینکه پذیرفته‌ایم دین اجزاء و ارکان مختلفی دارد و ما پیام دین را می‌توانیم به اشکال مختلف تقسیم کنیم که این تقسیمات متعدد و متکثرند. نصری اضافه کرد: اگر این مباحث مطرح می‌شود، در عمل چه می‌بینیم. ما در عمل تکثر و اختلاف فهم را می‌بینیم. برای مثال، در دوره مشروطه، مشروطه‌خواهان یک فهم از دین داشتند و مشروطه‌خواهان بزرگ (خراسانی و...) فهمی دیگر. اساس در اختلاف فهم است.

معرفت دینی دچار انسداد شده

ادامه این نشست با نقادی‌هایی از جانب آقای دکتر علیرضا قائمی‌نیا و آقای دکتر محمد عرب صالحی همراه بود. قائمی‌نیا با بیانی نقادانه اظهار کرد: معرفت دینی در عصر ما دچار یک نوع انسداد شده و امیدواریم به این انسداد به نحوی با تلاش این اساتید بزرگ پایان داده شود. در رابطه با نظریه ابتناء موضوع این است که این نظریه چه مسأله‌ای را می‌خواهد حل کند. به نظر من، صورت مسأله جامعه‌شناسی معرفت است. در حالیکه معرفت‌شناسی با جامعه‌شناسی معرفت تفاوت دارد. وی ادامه داد: جامعه‌شناسی معرفت به زمینه‌ها و عوامل پیدایش معرفت می‌پردازد و معرفت‌شناسی با توجیه و مقولاتی مانند صدق و ارزیابی و امثال اینها سروکار دارد. این دو امر در دو زمینه مختلف هستند و نمی‌توان آنها را به هم گره زد. وی در ادامه انتقادات دیگری را نیز متوجه این نظریه دانست و سپس نوبت به دکتر محمد عرب صالحی رسید تا انتقادات خود را به این نظریه مطرح کند.

از احتمال برگزاری دیدارهایی بر اساس جغرافیا و به اصطلاح راسته فعالان این بخش از صنعت نشر خبر داد. وی در پاسخ به برخی انتقاداتی که در ارتباط با شیوه بررسی کتاب از سوی معاونت فرهنگ مطرح است، تصریح کرد: «از همان آغاز دوره جدید مدیریتی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه همکاران خود همواره به یک قانون پایبند بودیم و آن اینکه وجود قانونی هر چند دارای اشکالات، اما بهتر از وضعیت بی قانونی است. در این سه سال تلاش کردیم با قوانینی که وجود داشته به رفع مشکلات حوزه نشر بپردازیم.»

او ضمن دعوت از منتقدان به دقت در اظهارنظرهایشان گفت: «به آن چیزی که فکر می‌کردیم تکلیف ماست عمل کردیم اما به نظر می‌رسد در مواردی نه چندان اندک، پاره‌ای اختلافات سلیقه‌ای و تلقیات سیاسی منجر به ارائه دیدگاه‌هایی نه چندان کارشناسانه از سوی برخی از منتقدان معاونت فرهنگی شده است. گرچه سخنان من به این معنا نیست که در این چند سال هیچ خطایی صورت نگرفته است. ممکن است گاه کتاب‌هایی بیش از حدی که باید ممیزی شده باشند و گاهی هم برخی کتاب‌ها کمتر از آنچه که باید بررسی شده اند!»

صالحی با اشاره به اینکه طی سال‌های ۹۳ و ۹۴ بیش از ۹۰ هزار عنوان کتاب چاپ نخست وارد بازار کتاب شده است تأکید کرد که تعداد کتاب‌هایی که درباره آنها انتقاد شده چندان هم قابل توجه نیست و از منتقدان خواست که دقت بیشتری در اظهارات خود به کار ببرند.

نظریه ابتناء، منطق فهم دین



اندیشه اسلامی در ادامه بیان کرد: اصل نظریه ابتناء بر چهار مبنا استوار است. مبنای نخست این است که برآیند یک فرآیند است. فرآیندمندی تکان معرفت و برآیندوارگی معرفت دینی. معرفت چیزی نیست که یک‌دفعه جرقه‌ای بزند و در ذهن کسی پیدا شده باشد. معرفت به‌تدریج تکان پیدا می‌کند. وی ادامه داد: اصل دوم این است که سازوکارهایی که در این فرآیند در تکان معرفت از جمله معرفت دینی تأثیر می‌گذارند، گوناگون هستند. می‌توان گفت پاره‌ای از عناصر سازوکارهای دخیل در تکان معرفت عناصری‌اند که حقا دخیل‌اند و دخالتشان نیز بر حق است. برای مثال، دستاوردهای عقل لاجرم در تکان معرفت آدمی مؤثر است و در معرفت دینی به‌حق است که عقل را در فهم دین دخیل کنیم که البته این دخالت باید چارچوب‌ها و حدی داشته باشد.

وی عواطف، گرایش‌ها، ذوقیات و علایق را عواملی دانست که ممکن است در تکان معرفت آدمی مؤثر باشد و دخالت کند، اما دخالت آن ناحق است و افزود: دسته‌سومی نیز وجود دارد که دخیل انگاشته می‌شوند، اما دخیل نیستند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین در ادامه افزود: اصل سوم این نظریه این است که بناسست در تولید معرفت دینی، از دین فهمی را به دست آوریم. دین پیام و رسالت است و در فرآیند پیام‌ورزی و پیام‌رسانی عناصری وجود دارد. پیام مبدأ، مقصد، مخاطب، مضمون، ماده، محتوا، وسائط و وسایل دارد. گاهی از نوع گزاره است که

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، میزبان نشست با عنوان «نقد نظریه ابتناء» بود. در این نشست که یکی از سلسله کرسی‌های نقد و مناظره این مرکز بود، آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ضمن ارائه نظریه ابتناء، به تشریح آراء خود درباره نحوه شکل‌گیری و تحول معرفت دینی پرداخت و سپس اساتید و منتقدان حاضر در جلسه به نقد و بررسی این نظریه پرداختند.

در این نشست دکتر طیبی (رئیس جهاد دانشگاهی)، آیت‌الله رشاد (رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی)، آقای علیرضا قائمی‌نیا (عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، آقای مهدی فیض (عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی)، دکتر نصری (عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی)، آقای محمد عرب صالحی نصرآبادی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) پس از ارائه نظریه آیت‌الله رشاد، آن را مورد نقد و ارزیابی قرار دادند و وی نیز به انتقادات ایشان پاسخ گفت. آیت‌الله علی‌اکبر رشاد عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است و تاکنون بیش از سی جلد کتاب و پنجاه عنوان مقاله در زمینه‌های گوناگون معرفتی از وی به چاپ رسیده است.

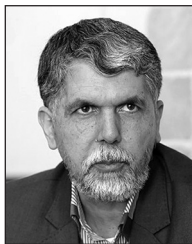
ارائه نظریه ابتناء

دکتر رشاد در این نشست درباره نظریه ابتناء گفت: این نظریه در واقع دارای دو یا سه کارکرد است. یعنی در دو یا سه حوزه معرفت می‌تواند جایگاه داشته باشد. یکی در حوزه فلسفه دین، که منطق فهم دین و روش‌شناسی فهم دین را در زمره مسائل فلسفه دین قلمداد کنیم و بنا باشد که بپرسیم چگونه می‌توان دین را فهم کرد و در چه صورت فهم درست یا نادرست به‌دست می‌آید؟ چه عواملی می‌تواند خدشه در فهم و درک ما از دین وارد کند؟ مبنای تنظیم دستگاه روش‌خوانی برای فهم دین چیست؟

به گزارش ایسنا، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و

معاون فرهنگی و مشکلات ناشران و کتابفروشان

هنوز با مشکل مالیات دست و پنجه نرم می‌کنند» گفته‌های این فعال نشر و دیگر همکارانش در حالی ست که قانون معافیت مالیاتی مورد نظر از سال ۱۳۹۳ به طور رسمی به اداره مالیات ابلاغ شده است. با وجود این ظاهراً شفاف نبودن تمام بخش‌های این قانون راه را برای اعمال سلیقه میزبان مالیاتی باز گذاشته



آنچنان که اغلب به بهانه‌های مختلف کتابفروشان و ناشران این محدوده را مشمول معافیت مالیاتی نمی‌دانند و همچون سایر فعالان بازار برای آنان مالیات‌های سنگین در نظر می‌گیرند. سید عباس صالحی بعد از شنیدن گفته‌های تمام حاضران درباره اخذ غیرقانونی مالیات از فعالان کتاب این منطقه قول بررسی شرایط فعلی با کمک اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و همچنین شعبه سازمان مالیاتی مرتبط با بازار و خیابان ناصر خسرو را داد و گفت: «مشکلات راسته کتابفروشی‌های بازار با مشکلات ناشران و دیگر کتابفروشی‌ها در مناطق دیگر تفاوت دارد و نباید مشکلات آنها را به یکدیگر تعمیم داد. مالیات کتابفروشان در بازار، با توجه به موقعیت اقتصادی فضای آنها در نظر گرفته می‌شود. تلاش خواهیم کرد تا در مدتی کوتاه و از طریق مذاکره با حوزه مالیاتی و ارائه توضیحات لازم مشکل کتابفروشی‌های این منطقه را حل کنیم.»

به آنچه تکلیفمان بود عمل کرده ایم

از آن جایی که مشکلات فعالان این بخش متفاوت با مشکلات سایر کتابفروشان و ناشران سطح تهران است؛ معاون فرهنگی وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی

عصر شنبه صورت گرفت که کتابفروشی اسلامی، قدیمی‌ترین کتابفروشی فعال در تهران، میزبان این جلسه را برعهده داشت. کتابفروشی اسلامی از جمله معدود کتابفروشی‌های باقی‌مانده در خیابان پانزدهم خرداد شرقی ست که چیزی نمانده در میان هیاهوی مغازه‌ها و حجره‌های بازار که هر کالایی

جز کتاب در میان آنها پیدا می‌شود؛ گم شود. در این جلسه هر یک از ناشران و کتابفروشان بعد از معرفی مختصری از خود و فعالیت‌هایشان از موانع و مشکلاتی که بواسطه فعالیت در راسته مذکور به آن دچار شده‌اند، گفتند. مشکلاتی که برای آنان گویا فراتر از آن چیزی ست که کتابفروشان خیابان انقلاب یا کریم خان به آن دچار شده‌اند.

برخورد های سلیقه ای برای قانون معافیت مالیاتی

فعالان نشر این راسته بواسطه قرار داشتن در محدوده بازار هنوز از قانون معافیت مالیاتی برخوردار نشده‌اند چرا که شعبه سازمان مالیاتی مرتبط با این بخش آنان را در زمره دیگر مشاغل این بخش از تهران می‌داند و معتقد است که شامل قانون مذکور نمی‌شوند. سید جلال کتابچی، مدیر کتابفروشی اسلامی و میزبان این جلسه در ارتباط با مشکل مذکور گفت: «بعد از انتقال کتابفروشی‌های این محدوده به خیابان انقلاب، اغلب کتابفروشی‌های بازار تعطیل شدند. حالا همین تعداد انگشت‌شماری هم که باقی‌مانده‌اند در کنار مشکلات مربوط به کاهش شمارگان کتاب‌ها

درهای معاونت فرهنگی به روی کتابفروشان باز است

یکی از گلایه‌هایی که در این دیدار مطرح شد؛ بحث نبود شرایط دیدار مستقیم کتابفروشان با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی وی بود. صالحی در همین رابطه و در پاسخ به خبرنگار «ایران» که چرا برخلاف وعده‌ای که از نخستین روزهای کاری خود داده‌اید هنوز گلایه‌هایی در ارتباط با نبود امکان دیدار با شما و جناب وزیر شنیده می‌شود؛ گفت: «به طور قطع بخشی از این گلایه‌ها به این مسأله بازمی‌گردد که کتابفروشان هنوز صنف جداگانه‌ای ندارند و تحت الشعاع ناشران و صنف آنان فعالیت می‌کنند. از همین رو در مطالبات خود گاه دچار مشکل می‌شوند. با وجود این اگر هر یک از کتابفروشان خواهان ارتباط مستقیم با ما باشند درهای معاونت فرهنگی به روی آنان باز خواهد بود و درخواست‌شان رد نخواهد شد. با توجه به مشکلات کتابفروشان همان گونه که اشاره شد احتمال برگزاری دیدارهایی بر اساس راسته جغرافیایی کار آنان و بررسی مشکلات خاص آنان خواهد بود.

دیدار این هفته معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اهالی نشر در حالی صورت گرفت که کتابفروشان و ناشران راسته بازار و ناصر خسرو به عنوان یکی از نخستین راسته‌های کتاب پایتخت از مشکلات و موانع پیش روی خود با این متولی فرهنگی سخن گفتند.

به گزارش «ایران»، این جلسه در ادامه دیدارهای هفته‌ای اهالی کتاب با سید عباس صالحی در حالی



مرحوم دکتر سید محمد طنطاوی (شیخ الازهر سابق)، شیخ دکتر احمد طیب (شیخ کنونی الازهر)، استاد سید هادی خسروشاهی - قاهره

علاوه بر قاهره، شعبه های الازهر در بعضی از بلاد اسلامی هم دائر شده که با همکاری اساتید اعزامی از الازهر، مشغول تعلیم و تربیت طلاب آن بلاد هستند...

البته الازهر از دوره سلطه دیکتاتوری سرهنگ عبدالناصر، قدرت مادی و معنوی خود را از دست داد و تحت سلطه کامل حاکمیت قرار گرفت تا آنجا که تعیین و انتصاب شیخ الازهر - عالیترین مقام دینی - که توسط «هیئت علمای الازهر» انجام می شد، به دستور ناصر، به عهده ریاست جمهوری! واگذار شد و به همین دلیل، الازهر در عمل تابع قدرت حاکم گردید، و علماء و طلاب آن، از لحاظ مالی وابسته به وزارت اوقاف گردیدند که در واقع نوعی «کارمندی» به حساب می آید! اما به هر حال، الازهر با قدمت هزار ساله خود، که محصول فرهنگ دوستی حکومت خلفای فاطمی بود و توسط آنها تأسیس گردید، همچنان موقعیت علمی و معنوی خود را در میان مسلمانان جهان حفظ کرده و سالانه هزاران دانشجو - طلبه - از سراسر جهان برای تحصیل علوم دینی همچنان به قاهره می آیند و در الازهر جای می گیرند... و پس از تحصیل و فراغت از آن، از سوی الازهر به بلاد خود - یا جاهای دیگر - برمی گردند و به تبلیغ مشغول می شوند.

سابقه آشنایی با دکتر احمد طیب

... وقتی به عنوان مسئول نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به قاهره رفتم، به طور طبیعی با رجال علمی و دینی و شخصیت های سیاسی کشور ملاقات هایی داشتم... در همین رابطه در دارالافتاء به دیدار «مفتی اعظم مصر» - جناب شیخ احمد الطیب - رفتم.

... شیخ بسیار ملایم و لطیف و طیب بود... استقبال گرمی داشت و خود در پاسخ به مسائلی که من مطرح کردم، سخنانی درباره تقریب و وحدت شیعه و سنی مطرح کرد که بسیار مهم و ارزشمند بود... در موقع خداحافظی، شیخ تا دم در آسانسور آمد و مرا بدرقه کرد... و پس از آن در مراسم مختلف الازهر که مرا دعوت می کردند، با شیخ هم دیدار داشتم تا اینکه ایشان به ریاست دانشگاه الازهر منصوب شد، و من طی نامه ای این انتصاب را به ایشان تبریک گفتم که بلافاصله پاسخ داد و ترجمه متن آن چنین بود:

دانشگاه الازهر

حضرت آقای سفیر، سید هادی خسروشاهی - رئیس دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در قاهره -

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و بعد: با کمال تشکر و مودت، تبریک نامه گرمی جنابعالی را به مناسبت پست جدیدم در دانشگاه

مدتی نگذشته بود که پاسخ شیخ طیب در تهران به دستم رسید که ترجمه فارسی آن چنین است:

استاد آقای سید هادی خسروشاهی

دفتر وزیر خارجه ایران - تهران

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ و بعد: با سپاس، نامه گرمی شما را در مورد درخواست دانشکده پژوهش های اسلامی برای تبادل فرهنگی - علمی در ایران و در لندن، دریافت کردم. لطف کنید با تفصیل بیشتر موضوع را به ما اطلاع دهید تا دانشگاه بتواند تحکیم پایه های تعاون علمی - فرهنگی بین دو طرف را آغاز کند. از جنابعالی بسیار سپاسگزارم که کتاب های ارزشمندی را بر من اهداء نموده اید.

با سپاس و احترام و تقدیر خالص

رئیس دانشگاه دکتر احمد محمد طیب

(تاریخ: ۲۰۰۴/۸/۲۹ م)

و من پس از دریافت نامه فوق، بلافاصله در ذیل همان نامه، در سطرهای کوتاه چنین نوشته و به آقای دکتر علمی از طریق فاکس ارسال کردم:

هو

حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر علمی حفظه الله

با سلام و درود؛ امروز پاسخ نامه ارسالی از لندن دریافت شد. متن آن جهت اطلاع و هرگونه توضیح و اقدام لازم فاکس می گردد.

با احترام، المخلص: سید

هادی خسروشاهی

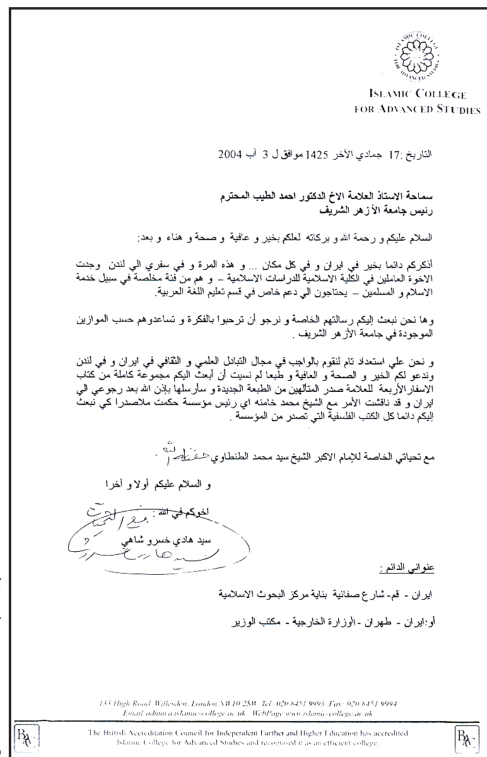
تهران ۸۳/۷/۱۴

اکنون که سخن از الازهر و شیخ احمد الطیب، که هم اکنون به عنوان شیخ جامع الازهر الشریف، - عالیترین مقام در الازهر - را به عهده دارد، بی مناسبت نخواهد بود که ضمن اشاره به سابقه آشنایی و دوستی با وی، نگاهی گذرا به چگونگی تشکیلات و سازمان های الازهر هم داشته باشیم.

موقعیت الازهر

الازهر، بزرگترین مرکز آموزش دینی - علمی برادران اهل سنت در جهان، دارای شاخه های گسترده و متعددی است: جامع الازهر، جامعة الازهر، مشیخة الازهر، دارالافتاء، المدارس الازهریه و...

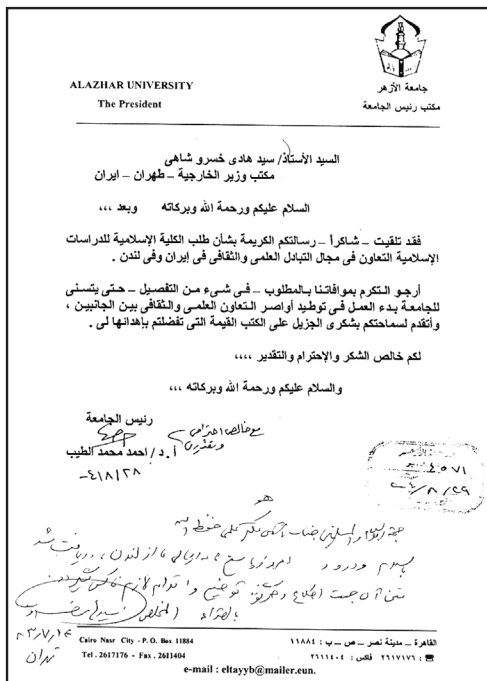
جامعة الازهر الشریف، یا همان دانشگاه وابسته به جامع الازهر، حدود ده هزار دبستان و دبیرستان را که بیش از دو میلیون دانش آموز دارد، اداره می کند. دانشگاه الازهر حدود هفتاد دانشکده و چندین هزار استاد و بیش از چهارصد هزار دانشجو و طلبه را از سراسر جهان اسلام پذیرا شده است و ابعادی بیش از یک وزارتخانه را دارد.



شما می فرستم امیدوارم که از این امر، استقبال کنید و با آنان، طبق اصول و موازین موجود در دانشگاه الازهر شریف، همکاری نمایید.

و البته ما اصولاً برای همکاری در میدان مبادله علمی و فرهنگی، - با الازهر - در ایران و در لندن، آمادگی کامل داریم... و همزمان برای سلامتی و صحت و عافیت شما دعا می کنیم.

البته من فراموش نکرده ام که مجموعه کامل چاپ جدید کتاب «الاسفار الاربعة» صدر المتألهین را برای جنابعالی بفرستم و به یاری خدا، پس از مراجعت به ایران در اولین فرصت اقدام خواهم کرد و با آیت الله سید محمد خامنه ای رئیس مؤسسه حکمت ملاصدرا هم صحبت کرده ام که همه کتاب های فلسفی را که از سوی مؤسسه چاپ می شود، برای شما بفرستیم.



سلام و درود ویژه مرا به الامام الاکبر، شیخ سید محمد طنطاوی حفظه الله ابلاغ نمایند.

و السلام علیکم اولاً و آخراً.

برادر شما - با درودها - سید هادی خسروشاهی آدرس: قم - خیابان صفائیه - ساختمان مرکز بررسی های اسلامی.

ادامه از صفحه اول

نام کامل کالج اسلامی لندن که در واقع اکنون به مثابه یک دانشگاه فعالیت دارد، چنین بود:

Islamic College For Advanced Studies (I. C. A. S)

که تأسیس و آغاز به کار آن به سال ۱۹۹۸ میلادی برمی گردد.

این کالج همانطور که اشاره شد اکنون در واقع یکی از دانشگاه های رسمی اسلامی در انگلستان شده است که دوره های تحصیلی علوم اسلامی و مطالعات اسلام شناسی را به روش آکادمیک همراه با بهره گیری از روش سنتی حوزه ارائه می کند.

البته کالج برنامه های فرهنگی گسترده دیگری هم علاوه بر برنامه های آموزشی دارد که با شرکت و حضور دانشمندانی از بلاد مختلف در لندن برگزار می کند که از جمله برگزاری سمینار بین المللی مطالعات شیعی است که دومین دوره آن اخیراً با همکاری مرکز اسلامی لندن برگزار شد و با برنامه های دیگر... برگزاری جشنواره و مسابقات قرآنی در لندن را می توان به عنوان یکی دیگر از فعالیت های ثمربخش کالج اسلامی نام برد.

... در سفری و دیداری دیگر، دکتر محمدجعفر علمی، برای گسترش دامنه فعالیت های کالج اسلامی لندن و رسمیت دادن آن در محافل جهانی، علاقمند بود که ولو به عنوان استفاده از معلمان زبان و ادبیات عربی الازهری، روابط خاصی را با دانشگاه الازهر برقرار کند و روی همین اصل، از من خواست که با استفاده از سابقه آشنایی و روابط دوستانه ای که با علماء و مشایخ الازهر داشتم، رابطه ای علمی بین کالج اسلامی و دانشگاه الازهر برقرار گردد...

دکتر علمی علاوه بر اینکه از اینجانب و به اصرار می خواست که در لندن بمانم و در کالج بخشی از تدریس را به عهده بگیرم، علاقمند بود که روابط الازهر با کالج هر چه زودتر برقرار شود و بتواند به کالج اسلامی صبغه بین المللی بدهد و آن را همطراز دانشگاه های معتبر علوم اسلامی در جهان قرار دهد.

البته من به دلایل شخصی، از پذیرفتن پیشنهاد اول و اقامت و تدریس در کالج معذرت خواستم، ولی برای عملیاتی کردن پیشنهاد دوم، یعنی ایجاد ارتباط با دانشگاه الازهر همان روز و از همان کالج، و در روی کاغذهای مارکدار آن، نامه ای خطاب به دکتر شیخ احمد طیب که پس از دارالافتاء، اینک رئیس دانشگاه الازهر شده بود، نوشتم و اجرای این موضوع - به عنوان یک گام عملی در راه همکاری علمی - فرهنگی - را از وی خواستار شدم و آن را همراه نامه رسمی کالج اسلامی، با امضای محمدجعفر علمی، به رئیس دانشگاه الازهر فرستادم.

متن ترجمه فارسی نامه من چنین بود:

تاریخ ۱۷ جمادی الآخر ۱۴۲۵ م
برادر محترم حضرت استاد علامه، دکتر احمد طیب

السلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ امیدوارم که در کمال صحت و سلامت و بخیر باشید.

بعد: همواره، در ایران و در هر جای دیگر، ذکر خیر جنابعالی را دارم... و این بار در سفری به لندن، دیدم که دوستان فعال ما در دانشکده پژوهش های اسلامی - که گروهی از برادران مخلص در راه خدمت به اسلام هستند - نیاز به همکاری ویژه با الازهر در بخش تعلیم زبان عربی دارند. و اینک نامه ویژه آنان را، همراه با این نامه، برای

به یاد دکتر محمدجعفر علمی

دکتر احمد جلالی - سفیر ایران در یونسکو

دوست و برادر ارجمند، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جعفر علمی، یکشنبه گذشته در لندن، از جهان ما رخت برکشید. مدتی بود رنج بیماری او را می‌آورد اما هرگز لب به شکایت نگشود و از توسل و توکل به وعده الهی به بندگان صالح خود باز نماند. باقیات الصالحات این حوزوی و دانشگاهی فاضل و پرهیزکار تاسیس کالج اسلامی لندن است که در همکاری با دانشگاه میدلسکس لندن، تا کنون فارغ التحصیلان زیادی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد داشته است. علاوه بر بنیانگذاری و راهاندازی این کالج، سالها، در ادوار مختلف، ریاست آن را هم عهده‌دار بود و موفق شد نظم و نظام آبرومندی برای آن ایجاد کند و اساس آن را از جهت روند کار و مقررات آموزشی برابر با استانداردهای نظام آموزشی انگلستان تنظیم و تثبیت نماید.

تقدیر چنین بود که در ماههای آخرین حیات دنیوی هم در همین کالج اسلامی همچنان به خدمت مشغول باشد. همچنین، سالها، سردبیری نشریه علمی و وزین «مطالعات شیعی» به زبان انگلیسی را که این کالج منتشر می‌کند بر عهده داشت حتی تا همین آخرین روزها. هم در سمت معاون پژوهشی و هم به عنوان معاون آموزشی جامعه المصطفی منشأ خدمات صادقانه همراه با تعهد ایمانی و علمی بود که شرح آن را همکاران محترمشان در این مجموعه بزرگ حتمابیان خواهند فرمود.

در اواخر سال ۱۳۸۶ بود که بنیاد از او دعوت کرد تا مسئولیت ترجمه برخی از مدخلهای این دایره المعارف به زبان انگلیسی را بپذیرد. حاصل سرپرستی و مدیریت او در این کار ترجمه و انتشار مجلدات ارزشمندی است که برخی از مدخلهای مورد نیاز بالفعل را به صورت مستقل به زبان انگلیسی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

برخی از این مدخلهای ترجمه شده از میان مدخلهای مفصل انتخاب شدند، مانند مدخلهای تصوف و حدیث، اما برخی مدخلهای کوتاه که قدر مشترک دارند نیز از مدخلهای گوناگون دانشنامه برگرفته و ترجمه شدند. می‌دانیم که کار ترجمه از زبان فارسی به زبان انگلیسی در این مباحث کار آسانی نیست و دقت‌های فراوان را طلب می‌کند. نمونه این مدخلهای ترجمه شده عبارتند از مدخلهای حدیث، تفسیر، حوزه علمیه، تصوف، احزاب سیاسی، تاریخ و تاریخ‌نگاری، تربیت و پرورش، درآمدی بر صورقرآنی، مباحث کلامی، حکومت اسلامی، مشاهیر اسلامی، شهرهای اسلامی، در رشته‌های قرآن پژوهی، تاریخ اسلامی، حقوق و فقه اسلامی و حقوق.

علاوه بر خدمت در مسئولیتهای علمی و آموزشی و پژوهشی، دکتر علمی شخصیتی دوست‌داشتنی و بی‌ریا و بی‌غل و غش داشت. دست هرکس را که توانست گرفت. زبان و قلمش همواره به اخلاق و تقوی و کمک و راهگشائی می‌گردید. توسلات مخلصانه‌ای به خاندان مکرم رسول خدا - که سلام بر آنها باد - داشت، مخصوصا به یاد و نام حضرت ابوالفضل (ع). اینجانب علاوه بر آشنائی و دوستی شخصی، مدتی نیز توفیق همکاری آموزشی با ایشان را داشته‌ام و از این جهت با اطمینان عرض می‌کنم: اللهم لا تعلم منه الا خیرا.

درگذشت این برادر بزرگوار و اهل فضل و کمال و اخلاق و معنویت را به همسر گرامی و فرزندان عزیز و همه خانواده محترم ایشان، و نیز به مجموعه ارجمند جامعه المصطفی‌العالمیه و همه دوستان و همکاران محترم علمی و آموزشی و حوزوی و دانشگاهی ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم دوستان و همکاران ایشان در فرصت مناسب به تفصیل به ذکر خصال نیکو و خدمات شایان آن مرحوم بپردازند.

غفرالله لنا و له

۱۳ خرداد ۱۳۹۵

نشست «شب‌های قرآن مجید»



تبرئه کرده است و در سوره شعرا با لحن تند از شاعران سخن گفته شده.

وی یادآور شد که استثنای پایانی آیات سوره شعرا درباره شاعران مخصوص آن دسته از شاعرانی بوده است که مدح پیامبر(ص) را می‌گفته‌اند.

سوری در ادامه به تشریح «تاریخچه شعر فارسی»، «توضیح چگونگی ورود شعر فارسی به متون صوفی» و «جایگاه اشعار فارسی در متون عرفانی فارسی» پرداخت و در پایان تأکید کرد: کاربرد شعر در متون عرفانی یک سیر تدریجی داشته است و در مرتبه بعد به مجالس صوفیه راه یافته و در نهایت مفسرین صوفی از اشعار فارسی در تفاسیر خودشان استفاده کرده‌اند.

آخرین سخنران این نشست اکبر راشدی‌نیا بود. وی به بیان توضیحاتی درباره تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی پرداخت و گفت: این تفسیر از دقیق‌ترین و زیباترین متون عرفانی است. منابع و مآخذ اخیرا مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

راشدی‌نیا ادامه داد: میبیدی در آغاز این تفسیر آورده است که درصدد تکمیل تفسیر عرفانی خواجه عبدالله انصاری است. تفسیر کشف‌الاسرار سه مرحله دارد: نخستین مرحله آن است که آیات به فارسی ترجمه شده و در دومین مرحله میبیدی نظرات مفسرین را بیان می‌کند و در نهایت در مرحله پایانی لطائف و حقایق گفته می‌شود.

منبع: ایکنا

علمی، مرد علم و عمل

مستقیم! بفرمائید؟ نگاه کردم دکتر محمدجعفر علمی بود. سوار شدم و پس از سلام و علیک و احوالپرسی، به شوخی گفت: هیزاکسلانسی! -عالیجناب! (لقبی که در اروپا به سفراء سابق هم می‌گویند و عرب‌ها به نخست‌وزیر سابق دولة رئیس و به سفیر سابق سعاده السفیر می‌گویند) چطور بدون ماشین و نان به دست؟ مگر راننده و ماشین ندارید؟

گفتم: آقای علمی! بنده همان طلبه سابق قم هستم، خودم عمداً برای گرفتن نان آمدم تا خیال نکنم که خیلی هیزاکسلانسی شده‌ام!... البته یک ماشین دارم ولی با راننده سرخود!... یعنی خود حقیر راننده هستم، اما وقتی به قم می‌آیم، با تاکسی و آژانس به دنبال کارهایم می‌روم، چون فکر می‌کنم طلبه‌هایی که با شهریه یکصد یا دویست تومان در قم زندگی می‌کنند، نکند با دیدن ماشین تویوتا ۹۱ بنده - که ۲۰ سال است در خدمت می‌باشد! - «آزده خاطر»! شوند و البته آنها نمی‌دانند که ما نیز نیم قرن پیش با ماهی سی تومان (سی تا یک تومان) در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بودیم!... بعد افزودم: تومبیل جنابعالی هم البته گرچه گرانقیمت و مدل بالا نیست، ولی چون ظاهری شیک و تمیز دارد، بهتر است که در قم از آن استفاده نکنید...

منطق مرا پذیرفت و از من تشکر کرد... و در کنار درب منزل - که اتفاقاً مستقیم بود - مرا پیاده کرد و به امید دیدار مجدد، خداحافظی نمود... اما این خداحافظی آخر بود، چون بعد از آن تاریخ، دیگر دکتر علمی را در قم ندیدم و من هم به لندن رفتم که شنیدم اواخر باز در آنجا به سر می‌برد و ضمن خدمت در کالج به معالجه خود مشغول بود؛ اما تقدیر چنان بود که در همانجا به رحمت حق پیبوند و پس از تشییع دوستان در کالج، با شکوه خاص در آرامستان تهران به خاک سپرده شود.

رحمه الله و اسکنه فی جنته

قم: ۹۵/۴/۲۲

- چهلمین روز درگذشت -

سید هادی خسروشاهی

این سؤال که تفسیر عرفانی چیست اختصاص داد و گفت: تفسیر عرفانی یک خوانش خاصی است و این خوانش در واقع شکل‌گیری معنای قرآن در ذهن ماست که یک وضعیت و شکلی دارد و مانند یک لیوان آب است. ذهنیت ما همان ظرف است و آن ظرف آیات قرآن که وارد ذهن ما می‌شود و چنین ظرفی از سه مفهوم اساسی و کلیدی خدا، انسان و عالم تشکیل می‌شود.

محمدرضا موحدی به‌عنوان سومین سخنران این نشست به بیان شرح حال عارف شیخ نجم‌الدین عراقی پرداخت و تبیین جایگاه عراقی در حلقه مفسران عارف نخستین بخش از سخنان موحدی بود.

موحدی تصریح کرد: تفسیری که عراقی به زبان عربی نوشته است برای ما اهمیت بسیار دارد؛ زیرا یک فردی که اهل ری است آن را نوشته. عراقی میعادگاه بخش زیادی از حافظه عرفانی است و تفسیر وی آن قدر مورد توجه بوده که دست به دست شده است و این تفسیر حاصل سه تفکر و سه سلسله بوده.

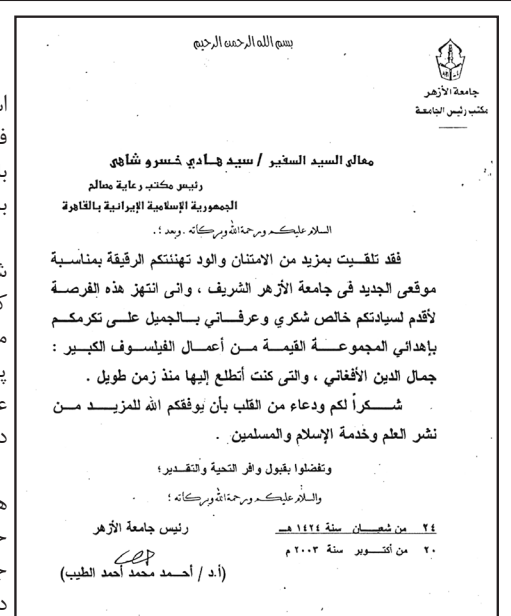
موضوع سخنرانی محمد سوری کاربرد شعر فارسی در تفاسیر عرفانی بود. وی ابتدا به تشریح جایگاه شعر در متون دینی اعم از آیات و روایات پرداخت و گفت خداوند در چهار مورد احتمال اینکه پیامبر(ص) شاعر بوده باشد، پیامبر(ص) را

اولین نشست از سلسله نشست‌های «شب‌های قرآن مجید» با عنوان «شب تفاسیر عرفانی قرآن مجید» در کانون زبان فارسی برگزار شد.

آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد با اشاره به اینکه محی‌الدین بن عربی توجه بسیاری به آیات در آثارش کرده با اشاره به آیه ۵۱ سوره شورا گفت: در این سوره آمده است «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید؛ آری اوست بلندمرتبه سنجیده کار.» و این آیه به این معناست که هیچ کس با خدا حرف نمی‌زند مگر با یکی از سه راه «وحی» مانند آنچه که برای مادر موسی اتفاق افتاد، «وراء الحجاب» مانند آنچه که در وادی مقدس طوی برای خود موسی روی داد، و راه سوم «یرسل رسولا». یک نماینده می‌فرستند که او بیاید با بشر حرف بزند. جبرئیل را رسول می‌فرستد که بیاید با مردم حرف بزند. محی‌الدین عربی در تفسیر فتوحات مکیه تفسیر عجیبی دارد و نظرش درباره وحی و وراء الحجاب یکسان است، اما در مورد موسی تأکید می‌کند که جبرئیل نیست و این موسی خود رسول اکرم(ص) است.

دکتر محقق داماد ادامه داد: وقتی قرآن می‌خوانید و روحتان با قرآن انس می‌گیرد صدایی که از درونتان می‌آید در حقیقت صدای خداوند است.

نصرالله پورجوادی، سخنانش را به پاسخ



الازهر شریف، دریافت کردم. و من این فرصت را غنیمت می‌شمارم تا سپاس خالص خود را به جنابعالی تقدیم دارم و تشکر و شناخت خود از محبت جنابعالی را که مجموعه ارزشمند اعمال و آثار فیلسوف بزرگ، جمال‌الدین افغانی را برای من فرستادید - و من از زمان‌های طولانی در انتظار آشنایی با آنها بودم - ابراز دارم.

باز سپاس و دعای قلبی برای شما دارم. خداوند شما را در نشر علم و خدمت به اسلام و مسلمین توفیق بیشتر عنایت فرماید. درود و تقدیر مضاعف مرا بپذیرید.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

دکتر احمد محمد احمد الطیب

۲۰ اکتبر سال ۲۰۰۳ م - ۲۴ شعبان ۱۴۲۴ هـ ... بدین ترتیب روابط حسنه ای بین کالج اسلامی و دانشگاه الازهر برقرار گردید و این ناشی از همت و دوراندیشی و پشتکار دکتر محمدجعفر علمی بود که خود مرد علم و عمل بود...

سابقه علمی، عملی

... دکتر محمدجعفر علمی که خود تحصیلات حوزوی را در سطح بالایی در قم به پایان رسانده بود، در انگلستان موفق به اخذ دکتری در فلسفه گردید و به موازات آن مسئولیت اداره کالج



نمایی از کالج اسلامی لندن

آخرین دیدار

... شاید دو سه سال قبل در خیابان صفائیه قم، نان به دست!، منتظر تاکسی بودم که یک ماشین سفیدرنگ، جلو پایم ترمز کرد! و گفت: حاج آقا!

«علی فضل‌الله»، فرزند سیدمحمدحسین فضل‌الله (۱۹۳۵- ۲۰۱۰) است که از جمله مراجع و روحانیون نوگرا و خوش‌فکر شیعه اهل لبنان به شمار می‌رفت. او شخصیتی استثنایی و منحصر‌به‌فرد داشت و به همین دلیل درباره‌اش اظهارات متناقض و مختلفی به‌ویژه درباره دیدگاه‌های فقهی و دینی او بیان شده است. فضل‌الله هر چند هیچ مسئولیت سیاسی در هیچ حزبی را نپذیرفت و همواره سعی داشت روشی معتدل و بی‌طرف به دور از حاشیه‌های سیاسی داشته باشد اما چهار بار در معرض ترور قرار گرفت و هر بار جان سالم به‌در برد. یکی از آنها در سال ۱۹۸۴ از سوی آمریکایی‌ها بود. بعدها وقتی علامه فضل‌الله در گذشت، روزنامه «واشنگتن‌پست» در تحلیلی با عنوان «تروریست بزرگ» اعتراف کرد که «آمریکا شخصیت مهمی را در لبنان از دست داد». آنچه را می‌خوانید، گفت‌وگوی خبرنگار «اللواء» با فرزندش سیدعلی فضل‌الله درباره عملکرد مؤسسات زیرمجموعه فضل‌الله و نیز تحولات منطقه و لبنان و راه‌های رسیدن به وحدت مسلمانان است. محمد علی عسگری - شرق

با درگذشت علامه فضل‌الله یک سرمایه بزرگ را از دست دادیم. در این باره چیزی هست که بگویید؟

علامه مرجع سیدمحمدحسین فضل‌الله شخصیتی جامع و یگانه داشت. او همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی را دعوت می‌کرد که در فضایی اسلامی زندگی کنند و اینکه پیش از وابستگی به یک مذهب، خودشان را در درجه اول وابسته به اسلام بدانند. او شمشیری کشیده در برابر هر گونه افراط‌گرایی و خرافه‌پرستی و قلعه‌ای مستحکم برای وحدت اسلامی بود. بنده هم به مسلمانان به‌خصوص لبنانی‌ها می‌گویم که به این دین حنیف چنگ بزنند و فرقه‌گرایی را رها کنند زیرا ما را از همدیگر دور می‌کند. نمی‌گویم که این گروه یا آن گروه دست از اعتقاداتشان بردارند بلکه می‌گویم نباید گذاشت این مسئله ما را وارد یک‌سری تعصبات مرگ‌بار کند. تعهدداشتن نسبت به یک عقیده با تعصب‌داشتن نسبت به آن فرق می‌کند. تعهد ضد تعصب است، زیرا تعهد ما را بر آن می‌دارد که با همدیگر گفت‌وگو و اختلافاتمان را به بهترین شکل حل کنیم. من به همه دوستان اعم از شیعه و سنی می‌گویم نباید به خاطر از دست‌دادن بعضی شخصیت‌ها فقط حسرت خورد؛ زیرا برای ما هیچ فقدان بزرگ‌تر از فقدان خود پیامبر اسلام(ص) که نیست، در گذشت

«سید عبد الملک حوثی» - رهبر جنبش انصارالله یمن - در یک سخنرانی به مناسبت «مراسم سالگرد قیام در برابر مستکبران» گفت: «امروز در هر عملیات سیاسی در هر یک از کشورهای عربی شاهد حضور آمریکا هستیم گویی قبل از خود یمنی‌ها ذی صلاح و صاحب اختیار آنهاست. آمریکا در امور یمن همچون ذی صلاح نخست در ترتیبات سیاسی این کشور حاضر می‌شود، در درباره‌یستان نیز گویی صاحب اختیار آنان در نصب پادشاه و ولی عهد و امیر و مأمور است. رژیم عربستان با ارائه خدمات مالی از حساب مردم خود به آمریکا، در اجرای طرح‌های آمریکائی همکاری می‌کند».

وی در ادامه گفت: «آمریکا با بیان عناوین جذاب و فریبنده گام بر می‌دارد اما در عرصه واقعیت، کاملاً متناقض از مسئولیت کامل خود در قبال حوادث ظاهر می‌شود، چرا که تمام حوادث و اتفاقات موجود زیر چتر حمایتی آمریکا رخ می‌دهد. یکی از اهداف جنبش، برخورد با سکوت حاکم بر جنبش آمریکائی اسرائیلی است».

رهبر جنبش «انصار الله» یمن گفت: «فریاد

راه و روش علامه آیت الله فضل الله



شخصیت‌های مهم به‌خصوص در این مراحل، باید انگیزه‌های قوی برای ما باشد تا دنباله‌رو آنها باشیم و به راهی برویم که آنها تعیین کرده‌اند. باید تلاش‌های خودمان را دوچندان کنیم تا صفوف این امت یکپارچه شود زیرا فتنه‌ها خشک و تر را با هم می‌سوزاند.

هر از چندگاهی ما صداهایی

می‌شنویم که هنوز به راه علامه

و دانش او حمله می‌کنند. در این باره چه می‌گویید؟

در زمان حیات علامه هم چنین فضایی بود. او به مدت ۱۶ سال بارها در معرض حملاتی سخت قرار گرفت. اما هر چه کردند او را منحرف نکردند، او جوابی به آنها نداد. بارها سعی کردند حرف‌های او را منحرف و سخنانش را بریده‌بریده نقل کنند. اما او فقط با اتکا به همان شیوه قرآنی که می‌فرماید «به بهترین شیوه‌ای که ممکن است پاسخ بده» جوابشان را می‌داد. فراتر از اینها بارها به ما می‌گفت نباید زیاد وقت صرف اینها کرد. بلکه باید با خردمندی و حکمت برخورد کرد و با علم و تلاش خود سعی کنیم با افراط‌گرایی و خرافه‌پرستی مقابله کنیم. باید دغدغه اسلام را در جهان داشته باشیم. بزرگ باشیم و نگذاریم که حملات آنها ما را از توجه به مسائل بزرگ بازدارد. در همین حال نباید بگذاریم اینها ما را از توجه به مصلحت اسلام بازدارد. او به روش یکی از نویسندگان جوابشان را می‌داد که گفته است: «آنها می‌گویند، چه می‌گویند، بگذار بگویند». در عین حال سعی می‌کرد از طریق سلوک و عمل و جهاد و فروتنی به آنها پاسخ دهد. از این رو توانست بر تمامی این حملات ظالمانه غلبه کند. حملاتی که پشت سرش دستگاه‌هایی بودند یا کسانی که دغدغه امت اسلامی را نداشتند. ما هم این روزها همان حرف علامه را می‌زنیم که گفت و همان کاری را می‌کنیم که کرد. همان جوابی را می‌دهیم که او به نقل از رسول خدا می‌گفت: «خدا یا قوم مرا ببخش که آنها نمی‌دانند».

مؤسسات وابسته به سید فضل‌الله مراکز اساسی برای ایجاد امنیت اجتماعی در لبنان هستند. چطور می‌خواهید این نهادها را توسعه بدهید و آینده‌شان را تضمین کنید. آن هم در این شرایط بحران‌زده که لبنان دارد؟ ما می‌دانیم حفظ این مؤسسات بخشی از وصیت‌نامه علامه بوده است.

علامه تأکید زیادی بر حل مشکلات تربیتی، بهداشتی و فرهنگی مردم داشت. همچنین بسیار علاقه‌مند بود مردم به اصل دینشان برگردند و با این دین حنیف رشد کنند. از این رو، به دنبال مشکلات دشوار و پیچیده مردم

بود و برای رفع آنها مراکز بهداشتی و عبادی در اکثر مناطق لبنان تأسیس کرد. او می‌دانست که دولت در این کشور کاری به درد و رنج مردم چنان‌که باید ندارد. برای همین سعی می‌کرد در این راه پیشگام باشد و به‌خصوص به ایتمام توجه کند. از این بابت بهترین جوایز را هم گرفت. او تجربه‌ای در سطح منطقه داشت و از ایتمام و از کارافتادگان سرپرستی می‌کرد. به آنها در زمینه‌های

آموزشی کمک می‌رساند. خیلی از مؤسسات هستند که بعدها از تجربه او سود بردند. ما این روزها سعی می‌کنیم آنچه را علامه شروع کرده بود، ادامه دهیم و تکمیل کنیم. خیلی‌ها ملاحظه کردند که مدارس خیریه ما در سطح نتایج امتحانات رسمی اول شدند و دانش‌آموزان ما برتری و استعدادشان را نشان دادند. علامه پیوسته به آنها سفارش می‌کرد که «به موفقیت بسنده نکنید، همیشه به‌دنبال بهترین‌ها باشید». اما باوجود اوضاع اقتصادی و حیاتی دشواری که داریم و همه منطقه و لبنان را فرا گرفته و بر درآمدهای مؤسسه ما هم اثر گذاشته است، سعی می‌کنیم نگذاریم کسانی که تحت سرپرستی بودند احساس نگرانی کنند و فکر کنند آینده‌شان تیره شده است. بلکه تلاش می‌کنیم برای اغلب آنها شرایط تحصیل حتی در اروپا و جاهای دیگر را فراهم کنیم تا به صورت انسان‌های مفید به کشورشان بازگردند. به اعتقاد ما این مؤسسات در مالکیت فردی یا خانواده‌ای یا حتی مذهبی خاص نیست. بلکه مؤسساتی برای همه است؛ همه کسانی که به آن نیاز دارند. به همه آنهایی که دست‌اندرکار باشند می‌گویم همه ما در این راه شریک هستیم. چون ما فقط به حل مشکلات مردم فکر می‌کنیم. می‌خواهیم کمک کنیم که این وضعیت اجتماعی پیچیده را حفظ کنیم چون اگر به دلیل ورشکستگی دولت یا سهل‌انگاری نهادهای دولتی به حال خود رها شود، حتماً منجر به جنگ و ویرانی خواهد بود یا باعث یک رشته انفجارهایی خواهد شد که فرزندان و نوادگان خود ما را با خود خواهد برد.

شما درباره روش اعتدال و میانه‌روی که علامه از آن برخوردار بود چه می‌گویید؟ آیا فکر می‌کنید با این موج فتنه‌ها و افراط‌گرایی که پیرامون ما را فرا گرفته است قادر خواهید بود چنین رویه‌ای را در پیش گیرید؟

علامه هم می‌دانست که راه وحدت، راهی هموار یا فرش شده با گل‌ها نیست. برای همین او دو خط موازی را در پیش گرفته بود: یکی اینکه سعی می‌کرد این میراث را پاک‌سازی کرده و همه گروه‌های مذهبی را تشویق به تصفیه به‌نفع اسلام کند. او مردم را هم تشویق می‌کرد تا خود را از بسیاری از عادت‌هایی که ارتباطی با اسلام خالص و

تشیع اصیل ندارد رها کنند.

دوم اینکه او سعی می‌کرد با همه شخصیت‌های مسلمان دوستدار وحدت کار کند تا یک فضای اسلامی مناسبی پدید آید و آنها بتوانند اسلامی روادار، مهربان و باز را چنان‌که رسول اکرم(ص) می‌خواست به مردم معرفی کنند. او همواره بر این باور بود که مشکل بین اهل سنت و تشیع از همین فاصله است که سرچشمه می‌گیرد و از نبود صراحت، ما همیشه سعی می‌کنیم مشکلات را با حرافی و زیاده‌گویی‌ها حل کنیم؛ یعنی از طریق گفت‌وگوها یا صحبت‌هایی که در جریان کنفرانس‌ها و تجمعات مطرح می‌شود، اما غالباً این گونه تصمیم‌گیری‌ها به محض اینکه به واقعیت می‌رسد یا با گرایش‌های سیاسی برخورد می‌کند، از بین می‌رود و مثل یخ آب می‌شود.

آخرین حرفتان برای دوستداران علامه فضل‌الله یا حتی مخالفانش چیست؟

به همه دوستدارانش می‌گویم به این خط پایبند باشید، هر چند این راه دشوار باشد. از سرزنش سرزنش‌کنندگان نترسید. شما با روحیه آن سید آشنا هستید و می‌دانید که به‌دنبال چه بود و همواره تلاش می‌کرد در خدمت امت باشد. از انزوا و هوچی‌گری بیزار بود. ادامه‌دادن این راه طبعاً مسئولیت سنگینی را متوجه شما می‌کند. باید همه حرف‌هایی را که اینجا و آنجا می‌زنند تحمل کنید. با سخنان محبت‌آمیز به جنگ حرف‌های کینه‌توزانه و متعصبانه بروید. به همان روش امام زین‌العابدین (ع) رفتار کنید که می‌فرمود: «هر کس با ما حيله کرد، ما با نصیحت جوابش را می‌دهیم، هر کس از ما کناره گرفت. ما پیوندش را نگه می‌داریم، از نیکی‌ها تشکر می‌کنیم و از بدی‌ها درمی‌گذریم». نباید ناملایمات ما را از راه مهربانه‌ای که در پیش گرفته‌ایم بازدارد. این همان راهی است که پیامبر (ص) و اصحاب و اهل بیتش(ع) در پیش گرفته بودند. ما احساس می‌کنیم با این روش می‌شود با فتنه‌ها مقابله کرد چون ما به‌دنبال ریشه‌کنی فتنه‌های مذهبی هستیم. اما به کسانی که همچنان با علامه مخالفت کرده و مسیر قبلی‌شان را ادامه می‌دهند، سفارش می‌کنیم به مطالب خود او مراجعه کنند نه به مطالبی که درباره او نوشته شده است. به آنها می‌گویم واقع‌نگر باشید و با شیوه‌ای علمی با مسائل برخورد کنید. به این فتنه‌ها و بحران‌هایی که ما را فرا گرفته است نگاه کنید. در پایان باید گفت این البته طبیعی است که هر یک از ما تلاش داشته باشد مردم را به آنچه اعتقاد دارد فراخواند، اما مهم این است چنان‌که علامه توصیه کرده بود، اختلافاتمان را مدیریت کنیم و نگذاریم مردم توان اختلافات ما را بدهند. اگر اختلافی در اصول یا فروع یا در برداشت‌های تاریخی و فهم متون و نحوه برخورد با دستاوردهای جدید بشری داریم اینها را پیش از آنکه به مردم منتقل کنیم بین خودمان حل کنیم.

سایت علامه فضل‌الله به نقل از روزنامه «اللواء»

عبدالملک حوثی: آمریکا، ولی نعمت و صاحب اختیار مقامات آل سعود است

خود برانگیخته نمی‌شود».

وی افزود: «تفاوت بزرگی بین تلاش آمریکا برای نابودی رقبا به عنوان رقیب که احتمالاً در آینده در چارچوب ابزار ویژه خود، پذیرای آنها باشد و بین هدف قرار دادن این ملت و جهان اسلام بر پایه دشمنی شدید وجود دارد. آمریکا به دنبال زمین ما مسلمانان و عرب‌ها به دلیل اهمیت جغرافیائی آن برای خود و همچنین ثروت‌های ما بوده و ما را به عنوان برده خود می‌خواهد که متأسفانه از واقعیت‌های موجود امت عربی اسلامی نهایت استفاده را برده است».

رهبر جنبش انصارالله یمن با ابراز نارضایتی از عملکرد برخی منافقین و افراد نادان برای مثبت جلوه دادن تصویر آمریکا، تأکید کرد: «امتی که تمام این فرصت‌ها را برای ساختن واقعیت خود در اختیار دارد، بدون تردید در سطح جهانی به سمت خیر و نیکی پیش می‌رود و استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا شاهد آمادگی این ملت برای از بین بردن این نگرانی‌ها است».

در قیال مبادی حقیقت آمیز و مقید به ارزش‌های اسلامی امت، موضع خصمانه داشته و آن‌ها را مانعی در مقابل خود می‌بیند».

وی گفت: «آمریکا می‌داند مهمترین مبنای این ملت، اجرای عدالت است و از این می‌ترسد که ملت به احیای این ارزش‌ها توجه کند. این کشور در پی آن است تا افراد باقی‌مانده این ملت، صرف مردمی باشند که نه موجودی و نه هویتی دارند و مجرد از تمام ارزش‌ها و هر گونه اراده و عزم قوی باشند».

«عبد الملک حوثی» تبیین کرد که آمریکا با قدرت‌های مخالف خود در جهان تسویه حساب کرده و روحیه خصومت آمیز و بسیار خطرناکی دارد. آمریکا طرحی برای ضربه زدن به ملت تا نابودی نهائی آن دارد. طرحی مانند طرح آمریکا بسیار خطرناک است و هر فردی در درون این ملت متوجه این موضوع است، اما هیچ حرکتی در قیال این موضوع نداشته و خشم و احساس مسئولیت او نسبت به ارزش‌ها و مبنای اسلامی

برائت، اهمیت فراوانی در عرصه واقعیت روز ما پس از حوادث جاه طلبانه یازدهم سپتامبر پیدا کرده است، و سازمان استکبار جهانی، حادثه برج‌های دو قلو در نیویورک را مقدمه‌ای ویژه برای مراحل پیشرفته و بسیار خطرناک در هدف قرار دادن جهان اسلام در نظر گرفته است».

«عبد الملک حوثی» از اهداف جنبش بیداری سخن گفته و بیداری ملت‌ها، هشدار به ملت در برابر تحرک فراگیر دشمن و توطئه‌های آمریکا را در صدر اهداف این قیام ذکر کرد و ادامه داد: «هدف طرح قرآنی، بسیج ملت و اصلاح آن برای بازگشت به قرآن کریم و فرهنگ‌سازی و هدایت قرآنی است».

«الحوثی» تأکید کرد: «آمریکا هرگز خود را برای تضمین دست‌یابی به منافع به اندازه معقول و منطقی محدود نمی‌کند، بلکه به دنبال تسلط مستقیم و استثمار آنهاست. وی گفت: آمریکا بدون تردید بر چپاول ثروت‌های ملت تمرکز کرده و هیچ تردیدی در این موضوع وجود ندارد. آمریکا

کتاب گفتگوی دو مذهب ترجمه کتاب حوار في الامامة به زیور طبع آراسته شد



کتاب گفتگوی دو مذهب که به گفتگوی دو متفکر شیعی و سلفی (حضرت آیت الله اراکی و دکتر مسعری) با موضوع امامت می‌پردازد توسط نشر معارف چاپ و در اختیار

جویندگان راه حق و حقیقت قرار گرفت.

یکی از بهترین جلوه‌های حیات و نشاط اندیشه در هر امتی، بحث‌ها و گفتگوهای علمی و فکری است که در یک فضای علمی متین و موقر، در میان گرایش‌های گوناگون و مکتب‌های مختلف، درمی‌گیرد. کتاب پیش رو نیز نمونه‌ای نو از گفتگوی هدفمند در میان علمای مذاهب اسلامی است؛ گفتگویی که دست سرنوشت زمینه آن را برای دو تن از علمای برجسته اسلام رقم زد و در روزگار مهاجرت، دکتر محمد مسعری و آیت‌الله شیخ محسن اراکی را گرد آورد تا این دو، در گفتگویی علمی و منطقی، مسأله امامت را که یکی از مهم‌ترین موضوعات فکری و اعتقادی مورد اختلاف جهان اسلام است، به بحث بنشینند و از سویی با رویکرد سلفی و از سوی دیگر از دیدگاه شیعه دوازده‌امامی آن را بررسی کنند.

این گفتگو بین دو تن از علمای اسلام انجام شده است که هم‌زمان از جایگاه و اهمیت علمی و اجتماعی بالایی برخوردارند؛ یکی عالمی شیعی است که در حوزه علمیه نجف اشرف و با بهره‌گیری از محضر مجتهدان بزرگی چون استاد شهید امام سید محمد باقر صدر، تحصیلات خود را تکمیل کرده است و افزون بر تخصص در علوم شرعی مانند فقه، اصول، مکاتب تفسیر، حدیث و رجال، با علوم عقلی و فلسفی نیز انس دارد و دیگری اندیشمندی اسلامی از مذهب وهابیت است که در کنار دروس دینی سنتی، در رشته فیزیک محض و ریاضی نیز صاحب تخصص است.

افزون بر بُعد علمی، این دو شخصیت در جنبه سیاسی نیز _ با چشم‌پوشی از برخی تفاوت‌ها _ با یکدیگر اشتراک دارند؛ یکی نماینده اسبق رهبر انقلاب اسلامی ایران در بریتانیا، و دیگری از برجسته‌ترین شخصیت‌های معارض حکومت آل سعود در دهه نود میلادی و از مطالبه‌گران تغییر بنیادی رژیم سعودی است. همچنین وی از مهم‌ترین دعوت‌گران به ایجاد اصلاحات دینی و بازنگری در برخی از اصول مسلم در رویکرد وهابی _ سلفی است.

معصوم (ع) هنوز در گیرو دار برخی تنگ نظری‌ها و غفلت‌ها و نیز اهمال کاری برخی متولیان فرهنگی کشور دستخوش مهوریت در جامعه اسلامی شده است که مناسبت هائی مبارک و پر خیر و برکت چون میلاد باسعادت امام رضا(ع) تلنگری است برای اذعان به وجود معارف ناب رضوی، که این معارف بی نظیر از عالم آل محمد(ص) می‌تواند به عنوان ساختار اصلی اتحاد امت اسلامی مطرح گردد.

لذا باید امیدوار بود تا این آموزه‌ها توسط مراکز پژوهشی حوزه و دانشگاه استخراج گردد و به صورت نظریه و تولید ایده در راستای تقریب روز افزون مذاهب اسلامی و ارتقای فقه تقریبی و مقابله با پدیده شوم تکفیر مورد استفاده قرار گیرد.

[۱] مسند امام رضا(علیه السلام)، ج ۱، ص ۳.

[۲] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵، کتاب عقل و

جهل، ج ۲۰.

آیت الله اراکی:

تجاوز آل خلیفه از خطوط قرمز، سر آغاز فروپاشی نظام بحرین است

دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی در ادامه خاطرنشان کرد: ملت بحرین امروز رسالت عظیمی را به انجام می‌رسانند، پس نباید پنداشته شود که این ملت به خاطر خودش می‌جنگد بلکه برای دفاع از هویت امت اسلامی مبارزه می‌کند. وی افزود: ظالمان جهان از امسال و آبروی مسلمانان استفاده کرده و در زمین فساد به راه انداخته‌اند، آنان کشورهای چون بحرین، یمن، عراق، سودان، سوریه و حتی خارج از جهان اسلام را با حمایت عربستان سعودی به فساد کشانده‌اند.

آیت الله اراکی در زمینه بیداری‌های جهان اسلام نیز گفت: امت اسلامی بیدار شد تا پیروزی‌های بزرگی را خلق کند و قدرت بزرگی را در جهان تشکیل دهد. بیداری‌هایی که در جهان اسلام ایجاد شد، بیانگر این زندگی جدید است. لذا امیدواریم که جهان اسلام بتواند بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی یا فرهنگ ملت‌ها، تبدیل به قدرتی بزرگ شود.

وی درباره تفسیر جنگ بین حق و باطل در قرآن کریم و احادیث نبوی افزود: منابع دینی به استمرار جنگ میان حق و باطل اشاره می‌کنند اما پیروزی از آن حق خواهد بود زیرا باطل گذرا است و دولت حقیقی از آن حق و حقیقت است.

سیره امام رضا (ع) الگویی برای تحقق وحدت اسلامی

و سفارش مردم به تعقل بیان فرمودند: چنان که حضرت رضا(علیه السلام) می‌فرماید: لیس العیادة كثرة الصلاة والصوم، إنما العیادة التّفکّر فی أمر الله عزّ وجلّ[۱]؛ عبادت به فراوانی نماز و روزه نیست، بلکه عبادت تفکر در امر خدای والاست.

هم چنین در این خصوص ابن السکیت از حضرت رضا(علیه السلام) پرسد: امروز حجت خداوند بر خلق چیست؟ حضرت(علیه السلام) فرمود: العقل؛ یعرف به الصادق علی الله فیصدقه و الکاذب علی الله فیکذبه؛ عقل است که با آن انسان راستگو شناسایی شده، راستی او گواهی می‌شود و نیز دروغگو شناخته شده، دروغ او گواهی می‌شود.

[۲]

حضرت رضا(علیه السلام)، در بحث امتناع رؤیت خدای متعالی، چیستی اراده خداوند، بویا به کارگیری مبادی عقلی در عدم شناخت ذات خداوند و نرسیدن به کنه ذات او، و طرح مسائل عقلی در باب عدم نیازمندی خداوند به غیر خود.....مباحث عقلی مفصلی را بیان فرمودند، که این رویکرد نشان دهنده روش علمی و منطقی و عقلانی آن حضرت در مواجهه با ادیان مختلف و مذاهب اسلامی است.

در این میان باید به فقه ائمه معصومین(ع) بالأخص فقه امام رضا(ع) اشاره نمود که هنوز به خوبی شناخته نشده است و غالب بررسی‌های علمای اسلام به فقه جعفری متمرکز شده‌اند و فقه دیگر امامان مورد بررسی و استفاده لازم قرار نگرفته است. که این امر خود نشان دهنده کوتاهی برخی نخبگان جوامع اسلامی در بهره‌گیری از فقه ائمه اطهار بالأخص فقه امام رضا(ع) می‌باشد.

آیا می‌توان از سیره امام رضا (ع) به عنوان الگویی برای تحقق وحدت اسلامی نام برد؟

گفتنی است بسیاری از اندیشه‌های فقهی و سیاسی امام رضا(ع) در جامعه اسلامی مطرح نشده است و متأسفانه از معارف ناب رضوی در راستای ایجاد فقه تقریبی و نیز در ابعاد تمدن جهانی به خوبی استفاده نشده است. این غفلت‌ها در حالی است که با تعمق و تأمل در فقه حضرت امام رضا(ع) می‌توان آن را به عنوان بزرگترین مانیفست تشیع، در وحدت و همگرایی اسلامی و نیز نفوذ اندیشه‌های شیعه در جهان اسلام و جوامع بشری برشمرد.

آیت الله محسن اراکی، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در مراسم بزرگداشت شهید بحرینی، حسن جاسم الحایکی، در شهر مقدس قم، تأکید کرد: تجاوز از خطوط قرمز قانون اساسی بحرین بیانگر فروپاشی معنوی آل خلیفه است که سرآغاز فروپاشی و شکست این رژیم خواهد بود.

وی با اشاره به سلب تابعیت آیت الله شیخ عیسی قاسم، تصریح کرد: جنگی که نظام بحرین علیه سبمل‌های این کشور به ویژه حضرت آیت الله شیخ عیسی قاسم به راه انداخته است، جنگ علیه ملت این کشور است زیرا شیخ قاسم سمبل هویت بحرین و ملت این کشور است. حال اگر وجه فکری شیخ قاسم را از بحرین جدا کنند، آیا بحرین باقی می‌ماند؟!

آیت الله اراکی افزود: بحرین دارای دو وجه فکری است: یک وجه فکری که در تاریخ آن ظلم و کشتار و تجاوز و غارت اموال ملت دیده می‌شود و وجه فکری دیگر که ملت اصیل، عالم، متقی و صبور بحرین نماینده آن است. شیخ عیسی قاسم و علمای گرانقدر این کشور در وجه دوم قرار دارند که در یک صف ایستاده‌اند و نمونه ارزش‌ها و هویت ملت بحرین هستند. و این هویت محال است که از بین برود و نابود شود.

به مناسبت سالروز ولادت با سعادت امام رضا (ع) حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در گفتگویی در رابطه با سیره وحدت بخش امام رضا (ع) را مطرح کرده است که در ادامه از نظر مخاطبین می‌گذرد:

در ابتدا کمی از سیره وحدت بخش امام رضا (ع) بفرمایید؟

بی شک همزیستی مسالمت آمیز پیروان مذاهب اسلامی و حتی همزیستی مسلمانان با دیگر ادیان توحیدی در کنار یکدیگر در طول تاریخ و در نقاط مختلف جهان به ویژه کشورهای اسلامی مسبوق به سابقه است، لیکن پس از رواج ایده‌های خشک و خشن ابن تیمیه و رویکرد مخالفت با عقل و اجتهاد، تفرقه‌گرایی در جوامع اسلامی به شدت رشد یافته است، مقوله‌ای که در راستای اهداف قدرت‌های غربی به ویژه آمریکا در اسلام هراسی به ویژه شیعه هراسی صورت می‌گیرد، لذا باید اقدامی عاجل صورت پذیرد که در این میان تبیین و ترویج آموزه‌های ناب عقلانی و علمی امام رضا(ع) می‌تواند موجبات اتحاد امت اسلامی را رقم بزند.

زیرا آموزه‌های وحدت بخش امام رضا (ع) که از متن و محتوای مناظره‌ها، جلسات پرسش و پاسخ، و گفتارهای حکیمانه و استدلال منطبق با مبادی عقل برگرفته شده است وجدان هر انسانی را در اهتمام آن حضرت به اتحاد امت اسلامی بیدار می‌سازد.

با مطالعه در سیره امام رضا (ع) می‌توان فهمید که عقل گرایی محور اصلی سیره آن حضرت است. لطفاً با اشاره به روایات به تبیین این موضوع بپردازید.

مقوله عقل گرایی و محوریت عقل در دورانی که جامعه اسلامی گرفتار فرقه‌های انحرافی گردید، در حالی بود که زنداقه شبهات کلامی فراوانی را در مواردی چون توحید و اصل اثبات وجود خداوند مطرح کردند، و نیز نفوذ ادیان آسمانی همچون مسیحیان، یهودیان، زرتشتیان در مراکز قدرت و نیز تسریع در امر نهضت ترجمه در آن عصر و زمان...همه و همه موجبات ورود حضرت به جلسات مناظره علمی و اتخاذ رویکرد عقلانیت و تبیین آموزه‌های ناب شیعی را فراهم نمود، بدین صورت که امام رضا (ع) روایات فراوانی را در فضیلت عقل

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۱۴۲۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بحث

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

به همت انتشارات سلمان پاک؛ کتاب «آل سعبون» منتشر شد

کتاب «آل سعبون» با رویکرد پژوهش محور و به قلم نویسنده و پژوهشگر حوزه تمدن نوین اسلامی «صالح قاسمی» و به همت انتشارات «سلمان پاک» به چاپ رسید. این اثر تحقیقی در موضوع بررسی تاریخچه پیدایش و بازخوانی کارنامه جنایات خاندان سلطنتی «آل سعود» به چند محور اصلی در احوال گذشته و شرایط حال حاضر حاکمان کنونی عربستان پرداخته است.

نویسنده کتاب سعی کرده است به نحوی جامع از ابتدای شکل گیری حکومت سعودی و از زمان وحدت شوم «محمد بن سعود» و «محمد بن عبدالوهاب» و نقش جدی جاسوسان بریتانیایی همچون «همفر» در این وحدت را بررسی نموده و آنگاه کارنامه جنایات وهابیان سعودی را طی سه دوره حکومت این خاندان مورد کنکاش قرار دهد و در ادامه به شرایط کنونی پادشاهی «آل سعود» در عربستان و دنیای اسلام توجه ویژه‌ای نماید. بررسی نقش بریتانیا در پیدایش و بقای حکومت «آل سعود»، اثبات یهودی الاصل بودن اجداد پادشاهان سعودی، بازخوانی دو دوره سقوط حکومت و نحوه شکل‌گیری دوره سوم و کنونی سلطنت «آل سعود»، مروری بر فتاوا و اعتقادات تکفیری وهابیان «آل شیخ»، جنگ قدرت گسترده و فساد فراگیر مالی و اخلاقی شاهزادگان سعودی، تراژدی سرطان نفت، مروری بر وحدت ایدئولوژیک و استراتژیک «آل سعود» و «آل صهیون» و در نهایت سیاهه جنایات و قتل عام متوحشانه مسلمین شیعه و سنی جهان به دست سعودیان از جمله محورها و مطالب مورد مذاقه در این کتاب است. لازم به ذکر است «صالح قاسمی» در پایان این اثر، مجموعه‌ای از تصاویر تاریخی و مهم را بصورت پیوست و بعنوان مستند مطالب کتاب ارائه نموده است.

«آل سعبون» در ۳۹۶ صفحه و با قیمت ۱۵۰۰۰ ریال منتشر شده و از طریق مراکز پخش سلمان پاک به شماره ۰۹۲۱۵۵۹۸۱۵۱ و آفتاب پنهان به شماره ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶ در اختیار فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی و همه علاقمندان قرار گرفته است.

کتابخانه مرکز بررسی‌های اسلامی

نشانی: پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای بلوار سلمان فارسی، خیابان شهید

مخلصی، خیابان دوم

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۸۰۷۵۵۶

رونمایی از خاطرات و تقدیر از حجج اسلام محمدجوادحجتی کرمانی و عبدالکریم بی آزار شیرازی در دائرة المعارف بزرگ اسلامی

تحت‌الشعاع بعد عرفانی و فلسفی ایشان قرار گیرد. حجت‌الاسلام والمسلمین بی‌آزار شیرازی نیز در ادامه این مراسم در سخنانی گفت: از زمانی که وارد حوزه علمیه قم شدم با امام خمینی(ره) این ابرمرد تاریخ آشنا شدم و اخلاص و حرکات و بیانات ایشان مرا مجذوب خود کرد.

وی در ادامه به بیان خاطره‌ای از دیدار با حضرت امام(ره) پرداخت و گفت: امام در آن زمان گفتند که من تمایل دارم رساله مستحذئه‌ای نوشته شود که جامع ابواب فقهی و جوابگوی نیازمندی جامعه باشد، من آن موقع در کلاس درس ایشان دروس مستحذئه را نوشتم و امام بعداً آنها را در نجف ملاحظه کردند. امام(ره) در ضمن نکات فقهی نکات اخلاقی را هم بیان می‌کردند که در رسائل دیگر نبوده است.

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیدحسن خمینی به ایراد سخن پرداخت. وی گفت: توفیقی است که از دو کتاب ارزشمند و پدیدآورندگان مقاله امام تشکر و قدردانی شود. سه موضوع در این جلسه مطرح شد. حکومتی که امام(ره) بر اساس اخلاق بنیان گذاشتند و با عشق و تلاش باید پیش رود. حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حجتی کرمانی عمرش را قرین انقلاب کرد و پایبند به آرمان‌های انقلاب است.

من کتاب ایشان را تقریباً خوانده‌ام. درد دین، آزادی و سعادت مردم در لحظه لحظه خاطرات این کتاب موج می‌زند. کتاب حجت‌الاسلام والمسلمین بی‌آزار شیرازی را هم خواندم که سراسر اخلاقی است جامعه‌ای که بی‌اخلاق باشد، به‌سوی سعادت نخواهد رفت. در پایان این مراسم از دو کتاب عشق و تلاش و کتاب حکومتی بر اساس اخلاق رونمایی شد.

دکتر صالحی امیری با تأکید بر این نکته که وقتی در فضای فعلی با تحریف تاریخ معاصر مواجه می‌شویم آیندگان چه خواهند گفت، افزود: تحریف تاریخ اینگونه می‌شود که فعالین انقلاب بدهکار می‌شوند و ما باید جلوی این تحریف را بگیریم و هیچ راهی نیست جز اینکه صالحین انقلاب مانند حجج اسلام حجتی کرمانی و بی‌آزار شیرازی تاریخ انقلاب را بگویند و از تحریف آن جلوگیری کنند تا تاریخ انقلاب را از زبان دشمنان نشنویم.

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین حجتی کرمانی نیز به ایراد سخن پرداخت. وی ضمن تشکر از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) که بانی تنظیم خاطراتش بود، گفت: خاطراتی را که ملاحظه می‌کنید از آغاز زندگی من تا روز ۲۲ بهمن که پیروزی انقلاب است را در بر می‌گیرد. من در آن روز در یزد مشغول سخنرانی بودم و پیروزی انقلاب توسط بنده به مردم یزد اعلام شد. حجت‌الاسلام والمسلمین حجتی کرمانی در بخشی از سخنانش از تنظیم خاطراتش از زمان انقلاب تا عصر حاضر خبر داد. وی یادی نیز از برادرش مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین علی حجتی کرمانی داشت که در زمان تبعید بسیار شکنجه شده و زجر دید و بعد از انقلاب نیز مورد تحریف قرار گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین حجتی کرمانی گفت: امام(ره) به گردن ما بسیار حق دارد. شهید نواب صفوی عده‌ای را جمع کرده بود که کانون قیام را راه انداختند و من عضو آن بودم. از اولین مریدان امام خمینی(ره) بودیم که ایشان را حاج آقا روح‌الله می‌گفتند و استاد فلسفه، عرفان و فقه و در زبان خواص استاد بودند. نباید بُعد سیاسی امام

مراسم رونمایی از دو کتاب «حکومتی براساس اخلاق»، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و «عشق و تلاش»، خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) با حضور فرهیختگان و دانشوران در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار شد. بجنوردی، رئیس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نخستین سخنران این مراسم بود که به مناسبت رونمایی از این دو اثر ارزشمند به ایراد سخن پرداخت و گفت: امیدوارم این مراسم سرمشقی باشد برای کسانی که برای غنای فرهنگ این کشور تلاش می‌کنند. همچنین این مراسم برای تجلیل از نویسندگان مقاله «امام خمینی(ره)» نیز که توسط سه نفر تألیف شده و مقاله‌ای بی‌نظیر و پژوهشی است برگزار شده است. تصمیم داریم این مقاله را به صورت یک کتاب پژوهشی مستقل منتشر کنیم.

وی گفت: حدود پنجاه سال با جناب حجتی کرمانی دوستی دارم و همچنین کتاب جناب آقای بی‌آزار شیرازی بسیار آموزنده است. دکتر صالحی امیری، رئیس کتابخانه ملی، در بخش بعدی این مراسم به ایراد سخن پرداخت و در بخشی از صحبت‌هایش گفت: بزرگترین تهدید انقلاب اسلامی، تحریف آن است. نسبت به آینده بسیار احساس خطر می‌کنم و باید این مسئله را به خوبی بشناسیم و برای جوانان نسل آینده، انقلاب اسلامی را تبیین کنیم.

وی در ادامه گفت: تدوین تاریخ شفاهی سلاقی خاص خود را دارد و در تبیین آن باید دقت ویژه داشت.

نسخه نویافته صحیفه سجادیه، سنگ محک سایر نسخه‌ها است

می‌گردد که قدیمی‌ترین نسخه از صحیفه بوده، داستان آن جالب است، زمانی که می‌خواستند گنبد حرم امام رضا(ع) را وسعت دهند، قصد آن بود بدون آسیب زدن به گنبد عملیات بزرگ سازی رخ دهد. وی ادامه داد: زمان فعالیت کارگران، کتابی مکشوف شد که در جرز گنبد قرار داشت، پس از بررسی معلوم شد که صحیفه سجادیه است و آن کتاب اکنون قدیمی‌ترین نسخه‌ای است که به دست ما رسیده است.

مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی با بیان اینکه قرار است، این صحیفه سنگ محکی برای سایر صحیفه‌ها باشد، اضافه کرد: این کتاب به شخصیت‌های رجالی حوزه مانند آیت الله شبیری زنجانی ارائه شده، زمانی که مستندات آن را ارائه کردیم و مشخص شد که واقعا از کفعمی است، این افراد بسیار مسرور شدند. وی ادامه داد: سند تاریخی با این صحت و صلابت و درستی می‌تواند یک اعتبار برجسته‌ای برای هر کس و هر جایی که کتاب را به این نقطه رسانده باشد، کتابخانه ملی و بنیاد محقق طباطبایی در این زمینه فعال بوده‌اند که بسیار جای قدردانی دارد. صحیفه سجادیه کامله، مجموعه‌ای از ۷۵ دعا و نیایش نقل شده که امام سجاد(ع) املا کرده و امام محمد باقر(ع) و برادرش زید بن علی آن را در دو نسخه نوشته‌اند.

زید بن علی نسخه‌ای که در اختیار داشته برای حفاظت از آن به متوکل بن هارون می‌دهد، متوکل بن هارون نیز که از اصحاب امام جعفر صادق(ع) است، می‌گوید: از من ۱۱ دعا ساقط شده و من ۶۴ دعا را روایت می‌کنم.

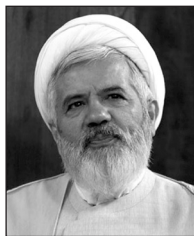
متوکل مجموعه‌ای را که در اختیار داشته به امام جعفر صادق(ع) عرضه کرده‌و بنوشته‌امام محمدباقر(ع) مقابله می‌کند و هیچ تفاوتی بین آنها نمی‌یابد، او از مجموعه ۷۵ دعای صحیفه، ۶۴ دعا را می‌نویسد که در مجموعه حاضر تنها ۵۴ دعای آن موجود است.

در جهان تشیع برخوردار است، یکی آنکه کفعمی با خط خود این صحیفه را استنساخ کرده و آن هم در قرن نهم، درست مانند این است که سندی را پیدا کنیم و بگوییم این نامه توسط سید جمال الدین اسدآبادی نوشته شده و به خط خود وی است.

وی خاطر نشان کرد: تخصص کفعمی در بین دیگر بزرگان قرون گذشته و سلف صالح، دعا بوده و کتاب‌های مشهور وی از جمله «بلد الامین» و «کتاب مصباح» نشان می‌دهد، او چه تبعی در امر ادعیه معصومین انجام داده است. این مدرس حوزه و دانشگاه درباره ویژگی‌های نسخه یادشده، گفت: تا امروز نسخه‌ای که مصحح سایر نسخ باشد و بدانیم نسخه استاندارد بوده و سایر نسخ را با آن تصحیح کنیم، در دست نبوده و از قرن اول تاکنون هیچ نسخه‌ای این جایگاه را پیدا نکرده، هرچند نسخه شهید اول و ثانی به دست محمد تقی مجلسی رسیده و در قرن بعد هم دیده شده اما هیچیک در دسترس نیست.

وی افزود: تا امروز نسخه اصلی که معیار و مبدا کار باشد، نداشتیم از این رو این کتاب می‌تواند و بحق نیز توانایی آن را دارد که این خلاء را پر کند، البته این کتاب مطلوب و مورد علاقه بزرگانی بوده که به آن نرسیده‌اند.

نورالهیان ادامه داد: این صحیفه نسبت به چیزی که امروز در اختیار داریم، جامع و کامل است، از ابتدا و بسم الله اول تا دعای پایانی که در صحیفه‌های جامع وجود دارد در این صحیفه موجود است، البته نکته مهم آن است که در بیشتر صحیفه‌ها ۵۴ دعا ذکر شده، اما این نسخه جدید چهار دعا اضافه دارد. به گفته این محقق، بی‌شک این صحیفه با این شرایط تحفه‌ای است که در جهان اسلام و اسلام شناسی می‌تواند نقش بسیار ارزنده‌ای داشته باشد. نورالهیان توضیح داد: نزدیک‌ترین صحیفه به زمان حیات امام سجاد(ع) به سال ۴۲۰ هجری قمری باز



ایرنا - صحیفه پژوه و مدرس حوزه و دانشگاه، نسخه اصلی و نویافته از صحیفه سجادیه را نسخه‌ای مصحح دانست و گفت: این نسخه سنگ محک سایر صحیفه‌ها است. حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا نورالهیان افزود: نسخه نویافته صحیفه تقی الدین ابراهیم

کفعمی در سال ۸۶۷ هجری قمری کتابت شده و یکی از کهن‌ترین نسخه‌های شیعی از کتاب صحیفه سجادیه است.

وی با بیان اینکه این نسخه گنجی است که همواره بدنبال آن بوده‌اند، ادامه داد: حدود ۴۰۰ سال پیش این نسخه به هند رفت و طی این مدت، تاریخی بر آن گذشته‌است، بزرگان شیعه نظیر ممتاز العلما و صاحب عبقات، حاشیه‌های فارسی بر آن نوشته‌اند.

این پژوهشگر با بیان اینکه بسیاری از علما و صاحب‌نظران از جمله شیخ بهایی و پدر مرحوم مجلسی، آرزوی داشتن سند خطی صحیفه خط کفعمی را داشتند، افزود: آنها معتقد بودند صحیفه سجادیه به منزله مجتهد(مرجع) آن زمان بود و مشکلات را حل می‌کرد.

آقای نورالهیان گفت: پس از درگذشت صاحب عبقات، این صحیفه دوباره سالیان زیادی مفقود می‌شود تا اینکه حدود سه سال پیش متوجه شدیم این کتاب در اختیار یک مجموعه دار ایرانی است. به گفته این صحیفه‌پژوه، پس از در اختیار گرفتن نسخه کفعمی، مقدمه‌ای بسیار عالی و ۱۸۰ صفحه‌ای توسط سید محمد حکیم بر آن نوشته می‌شود، بستر پیدایش و سیر تطورات، تحولات، ترجمه‌هایی توجیهی‌ها، گم‌شدن نسخه و مسائل مختلفی که در طول ۱۲ قرن بر این کتاب صحیفه(نه این نسخه صحیفه کفعمی بلکه صحیفه کامله سجادیه) گذشته، در این مقدمه ذکر شده‌است.

مشاور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی توضیح داد: این اثر از اهمیت زیادی